

قرارداد ۱۹۷۴

رسوس و اجیس راجع به ایران

تأثیف

ش. وحید مازندرانی



کتابخانه سفر اصفهان - تهران

قرارداد ۱۹۰۷

ک مکانیکی
روس و آمریکا رجیسٹر

تأثیر

شیخ دو حیدر مانوری

دی ماه ۱۳۲۸ هجری شمسی

مرکز انتشار: کتابخانه سفراط - تهران خیابان سعدی

چاپخانه بهر

هفایع این کتاب

- ۱- اسناد رسمی دولت انگلیس راجع به عمل جنگ بین المللی اول (۱)
- ۲- مطالعاتی در رابطه دیپلماتی و سیاستمداری (۲). تالیف پروفسور گوج
- ۳- آخرين مرحله زندگاني لرد گرزن (۳) > هارولد نیکلسن
- ۴- شرح حال سرادر اردگری (۴) >
- ۵- قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس (چاپ امریکا) > راجرسن بلاس چرچیل
- ۶- انقلاب ایران > پرسو ادوارد بروون
- ۷- دیکسیونر دیپلماتیک شوروی (چاپ مسکو ۱۹۴۸) > دیشیتکی و لزوونسکی
- ۸- بعضی مدارک معتبر موجود بزبان فارسی

۱- **British Documents On the Origins of the War- 1898-1914.**

۲- **Studies in Diplomacy and Statecraft by : Gooch.**

۳- **The Last Phase. by: H. Nicolson.**

۴- **Grey of Fallodon by: Trevelian.**

۵- **Anglo-Russian Convention by:**

R. P. Churchill

۶- **Persian Revolution by: E. Browne.**

۷- **Dictionnaire Diplomatique de L. U. S. S. R.**

فهرست مطالب

صفحه	
۵	۱- مقدمه
۲۳	۲- چرا او چگونه قرارداد ۱۹۰۷ انتقاد یافته است؟
۲۰	۳- سفارت انگلیس بالمطای قرارداد مخالف بود
۲۳	۴- سفارت انگلیس خبر تقسیم ایران را نکذیب میکند
۲۵	۵- ابلاغ متن قرارداد بودارت خارجه ایران
۳۰	۶- نقشه ایران بعد از تعیین منطقه نفوذ روس و انگلیس
۳۱	۷- نظریه سفارت ایران در لندن
۳۶	۸- سرادو از دگری بانی قرارداد ۱۹۰۷ بود
۵۰	۹- تأثیرات انتشار متن قرارداد
۵۷	۱۰- فقیده بعضی جراید اروپائی در آن موقع درباره این قرارداد
۶۶	۱۱- «» ایرانی «»
۷۱	۱۲- از «انقلاب ایران»
۷۴	۱۳- شورشی‌ها راجع باین قرارداد چه نوشته‌اند؟
۷۷	۱۴- نظریکی از رجال فیور ایرانی در آن دوره درباره قرارداد ۱۹۰۷

مکالمہ

مسمیت	مقدار	مقدار
(۱)	۱	۱۲
(۲)	۲	۲
(۳)	۱	۲
Sir Spring Rice	بادرقی	۱۸
Bannerman	۲	۴۰
تائکینڈ	۴	۵۰
تائیڈ	۰	۰
ڈیبلیویس	۴	۷۰
زیرا	۲۰	۶۳

جُهُدُهُ

یکی از نتایج گوتاگون جنک ۱۹۱۴-۱۹۱۸ که سه امپراطوری بزرگ اروپاها؛ امپراطوری آلمان، امپراطوری اتریش-هنگری و امپراطوری تزاری روس را از بین بود آشکار و علی شدند آرشیوهای دول بود شورویها در طبع و نشر مدارک سیاسی و عهدنامهای سری پیشقدم شده بودند تامقاصل امپریالیست دولت تزاری و متحدهای اورا به جهانیان نهان داده باشد بعد از دو سه آلمانها به این کار اقدام نمودند و پرده از زوی اسرار و داستان دیپلماسی آلمان از بدو تأسیس امپراطوری تا دوره فعلی برداشته و تحت عنوان «سیاست بزرگ» (۱) بیش از چهل جلد قطعه استاد و مدارک هم‌ منتظر گردند.

بسال ۱۹۲۴ میلادی دولت بریتانیا نیز در دوره نخست وزیری رمزی مکدو نالد تصمیم یافته کار گرفت و مدارک و اسناد مربوط بدیپلماسی انگلیس بین سالهای ۱۸۹۸ تا ۱۹۱۴ را در بیش از ده جلد (۲) بتدریج منتشر ساختند و در سال ۱۹۲۶ دو زمانی زمامداری یوان‌تکابه دولت فرانسه هم اعلام داشت که اسناد و مدارک سیاسی بین سالهای ۱۸۷۰-۱۹۱۴ (۳) را منتشر میکند در حالیکه کار آلمانها و انگلیسها در این قسمت با تمام رسیده اقدام فرانسویان فاهم مانده است و بالاخره دولت جمهوری اتریش نیز در سال ۱۹۳۰ یازده هزار سند تاریخی و سیاسی مربوط بسالهای از ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴ را منتشر کرد و از دول بزرگ اروپاها فقط ایطالیا از اقدام یافته کار خود دادی نموده است.

علاوه بر کتابها و مدارک طبع و نشر یافته مزبور که جمیعاً بیش از یکصد جلد است مورخین و اهل تحقیق برای تدوین و تألیف تاریخ جامع مربوط بسالهای قبل از جنک ۱۹۱۴-۱۹۱۸ از مطالعه که در مکاتبات خصوصی سیاستمداران و در مصاحبه‌ها

وشرح حال‌ها ومتذکرات پارلمانی مندرج بود استفاده نموده مجموعه‌های نفیس تألیف کرده‌اند که در تیجه‌از لحاظ سیاسی و دیلمانی دوره قبل از جنگ بین‌المللی اول دو شن ترین ادوار تاریخ اروپاست. در تیجه مطالب این کتاب علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک موجود بزیان فارسی بعضی منابع معتبر مذکور که حاصل مطالعات طولانی و دقیق اهل فن است مراجعت شده است.

از بررسی همین مدارک معروضه معلوم می‌شود که در نیمه دوم قرن نوزدهم پیشرفت سریع نفوذ روس در آسیا سیاست‌مداران انگلیس را از جهت امنیت هند خیلی نگران ساخته بود و دولت بریتانیا در صدد برآمد که مقام و موقعیت خود را نخست در افغانستان و بعد در تبت و ایران مستحکم سازد.

در زمان نخست وزیری فرد یکونفیلد (دزرایلی) گویا انگلستان حتی در این خیال بود که برای امنیت کامل هند یک نوع تحت‌الحمایگی بر افغانستان تحمیل کند و این کشور را یک وسیله دفاعی بین روسیه و هندوستان قرار دهد و در تیجه از همان موقع اختلاف و تصادم دائمی بین دو سیاست نفوذ ملیانه روس و انگلیس در آسیا پیدا شد.

بمنظور رفع این ماده اختلاف و جلوگیری از کشمکش‌های دولتین در ایران و افغانستان در سال ۱۸۸۷ میلادی سرهنگی در موئندولف^(۱) وزیر مختار انگلیس در تهران که طرفدار جدی موافقت روس و انگلیس بود بدولت خود پیشنهاد نمود که ایران از لحاظ اقتصادی بدو منطقه تقسیم شود شمال منطقه روس و جنوب منطقه انگلیس باشد او می‌گفت این ترتیب از هر جهت بنفع دو کشور است و این ظاهراً اولین دفعه بود که فکر تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ در فکر سیاست‌مداران بریتانیا پیداشد وقتیکه این سیاست انگلیس را در سال ۱۸۸۸ به تزار روسیه الکساندر پیشنهاد کرد تداخیار داشت که دولت او حاضر است راجع به ایران موافقتی با انگلستان حاصل کند و پس از این کفته بود روس و انگلیس در اروپا منافع مشترک ندارند منافع مشترکی طرفین در آسیاست و دولت او عایل است دوستانه در آسیا با انگلیس زندگی کند و اساسی گذاشته شود

که دیوبستی دوکشور را میسر ساخت.

پیشنهاد سرهنگی و لف مورد توجه سیاستمداران انگلیس قرار گرفت: از دکتر زنگنه که در آن موقع تلازه از سفر و سیاحت ایران هر اجت و در آثار تاریخی و هنری کشور ما مطالعات و افی نموده و نتیجه‌این مطالعات و مشاهدات خود را در دو جلد کتاب معتبر منتشر کرده بود با این سیاست مخالفت و اظهار کرد سیاست بریتانیا در ایران باید والاتیر از سیاست روس در این کشور باشد ولی همین سیاستمدار دشمن روس متقابلا نظر داد که انگلستان نه تنها حوالی خلیج فارس را باید منطقه نفوذ خود بنماید بلکه باید از مرکز ایران خطی ترسیم و بررس اخutar شود که از این حدود پیچورجه تجاوز نکند و در تمام این قسمت جنوبی هم منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس کلملأا تأمین و با وسایل صلح آمیز و اشتراک منافع و ترقیات صنعتی و اصلاحات داخلی در ایران انگلستان نفوذ خود را در این کشور پا به جا کند و از همین وقت بود که روسها همواره لرد کرزن را دشمن سر ساخت خود مینگریستند.

انگلیسها در نیمه دوم قرن نوزدهم همیشه از مقامات روس در آسیا و ایران پیچوناگه بودند و روسها نیز متقابلا از سیاست بریتانیا دو باره متصرفات روسیه در آسیای وسطی و از نفوذ او در ایران نگرانی داشتند و همین بدینشی و دو نظر مخالف مدتها ملکیع نزدیکی و سازش سیاسی طرفین راجع بکشور ماند.

ولی از سال ۱۸۹۶ میلادی هدف سیاسی انگلیس این شده بود که از حالت انزوا پیروز آمده برای خشی کردن سیاست امپراطوری آلمان در اروپا یا فرانسه و روس دوستی و اتحاد برقرار سازد اما هنوز رویه روس نسبت به انگلیس در خاورمیانه و در آسیا غیر دوستیانه و بلکه خبومت آمیز بود تا آنکه قدم اول برای رفع اختلافات موجود بالامضای موافقنامه سال ۱۸۹۹ میلادی طرفین راجع به راه آهن های چین برداشته شده و در نتیجه بتدریج یک حالت خوش بینی در محاکم سیاسی انگلیس در هاب تحصیل موافقی با روس راجع باعور ممتاز فیه در ایران پدید آمد و در این وقت بدون تردید سیاستمداران انگلیسی میدانستند که شرط اساسی چنین موقیت سیاسی و اگذاری قسمت شمالی ایران نبود روس بود و همین کار را هم کردند.

موراویو (وزیر خارجه روسیه) بسال ۱۹۰۰ در صدد برآمد موقیت روس را در ایران بهتر و نفوذ دولت خود را بیشتر کند و از چندین جهت در فکر انجام این مقصود بود ولی او دو مسئله مهم را اصلاً بیان نیاورد یکی موضوع بفرنج تناقضی بندری برای روس در خلیج فارس و دیگر اینکه فکر و خیال تعیین منطقه نفوذ را هم هیچ تعقیب نکرد چون در این موقع دولت روس بسیار قوی و مفروض و بلند پرواز بود و میل نداشت با فکر تقسیم و تسمیم ایران موافقت کند و خود را در کار کشور ما پابند و مقید سازد.

در سال ۱۹۰۲ موافقت دیگری بین دولت در بازه مساله چین حاصل و باز ایران میدان واقعی رقابت و کشمکش طی فین شد و در همین اوان بود که فعالیت رو سها در ایران بهایت شدت رسید و از طرف دیگر دولت بریتانیا هم بر اثر تاکیدات لرگرزن رویه جدی تری در ایران پیش گرفت و از لحاظ سیاسی موقیت هایی نیز نصیب انگلیسها شد ولی در شمال ایران نتوانستند جلوی نفوذ روزافزون روسیه را بگیرند و از این بابت سخت نگران بودند.

یکسال بعد باز اختلافی درباره راه آهن منجری بین روس و انگلیس پیش آمد و مجدداً روابط دو دولت تیره شد رویه جدید رو سها نسبت بر راه آهن منچوری ژاپون را هم برانگیخت و در نتیجه روابط روس و ژاپون نیز بصورت خطرناکی در آمد و در اوایل ۱۹۰۴ که طرفداران جنک در ژاپون حاکم بر اوضاع شدند مقدمات چنگ روس و ژاپون فراهم گردید و بعد از شروع منازعه فتوحات پی در پی ژاپون حیرت انگیز بود و بالاخره نیز آن چنک تاریخی در سال ۱۹۰۵ بفتح ژاپون و شکست روس تمام شد و از این تاریخ بعد جرائد انگلستان فرمست را غنیمت شمرده از ایجاد موافقی باروس زیاد طرفداری نمودند و زمینه مساعد برای شروع مذاکره جهت امداد قرارداد فراهم شد و این دفعه رو سها برخلاف گذشته رویه خیلی موافق نشان دادند و در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ بطوری که شرحت خواهد آمد امضاء شد

قبل از عقد قرارداد مزبور بحران مراکش ناشی اختلافات سیاسی فرانسه و

آلمان پیش آمده بود که جریان آن تأثیر بسیار در پیشرفت کار قرارداد ۱۹۰۷ کرد برای رفع این بحران کنفرانس الجزیراں (۱) تشکیل شد (ژانویه - آوریل ۱۹۰۶) در این کنفرانس فرانسه متقی بحمایت روسیه و انگلستان و اسپانی بودو آلمان بحمایت اتریش اتکا داشت و ایتالیا با آنکه در آلیانس سه کانه (آلمان، اتریش - هنگری، ایتالیا) وارد بود چون در عین حال با فرانسه و روسیه قراردادهای سری امضاء کرده بود به متحده خود کمکی نکرد هر چند نتیجه کار این کنفرانس تأیید استقلال مراکش و آزادی تجارت در آن کشود برای تمام دول که منظور دولت آلمان بود گردید و لی باز عموماً معتقد بودند که در آن مبارزه سیاسی فرانسه فاتح شد و در همین گیرودار یوگ که تنهایی باعفلمت آلمان آشکار گشت و انتانت کردیاں فرانسه و انگلیس به مرحله جدیدی رسید.

همکاری و اتفاقی که در کنفرانس الجزیراں بین نمایندگان روسیه و فرانسه و انگلستان پیدا شد راه را برای مذاکرات رسمی هر بوط به امضا قرارداد ۱۹۰۷ همواره ساخت و سر آرتور نیکلسن (۲) که نماینده انگلیس در کنفرانس مزبور بود سفیر کمیر جدید انگلستان در پطرزبورک انتخاب و ایزولسکی (۳) (انگلوفیل) هم بیچار لامسدورف (۴) وزیر امور خارجه روسیه شد.

قرار داد ۱۹۰۷ انگلیس و روس راجع بایران نتیجه موافقت و دوستی فرانسه و انگلیس و مقدمه «انتانت سه کانه» گردید و بطور اجمال میتوان گفت که سیاست دولت تزاری در حدود سال ۱۹۰۷ استحکام دوستی او با فرانسه و اصلاح روابطش با ژاپن و حفظ مناسبات عادی با آلمان و رقابت و مبارزه های سیاسی با اتریش - هنگری در بالکان و کشمکش و مبارزه با انگلستان در سر مسائل آسیائی بود ولی انگلستان که از اواسط و در اواخر قرن نوزدهم میلادی در دوره سلطنت ملکه ویکتوریا آسوده از درد سرهای مسائل اروپائی و باصطلاح معروف در پاک دوره

الزوای چاکوه (۴) هیزیست بعداز گناره کیفری بیس فارلک و بوآسطه سیاست و سیع بحری اقیصر آلمان ناچار شد که نازرویه قدمیم باشست بردارد و علاوه و جدا در سیاست اروپا ادخالت نماید.

در قرون هیجده و نوزده و گواهی قدرن تھا سیاست خارجی انگلستان جتنی بر دو اصل سیاسی بود یعنی سیاست بحری و دیگری تمامی قوا در اروپا مورد اصل ناول از سال ۱۸۹۴ میلادی هائینهاگن (۵) بعد اعلان اراده هائینهاگن کنونی گفته بود «لوین اصل عقیده سیاسی هر فرد انگلیسی باید ایمان او بدریبا باشد» این گفتمان قدیم همواره شعار مردم انگلیس بوده و برای تأیین این اصل مهم دولت انگلیس نیزرویه داشته که بنام «هیزان دیوولت» (۶) معروف شده چه می گفتند نیروی دریائی انگلستان باید از نیروهای دریائی توأم دو دولت مقندر اروپائی قوی تر باشد.

راجح باصل دوم که مربوط بحفظ موازنه قوا در اروپا و کاملاً معروف است رویه دولت انگلیس این بود که خواه از راه دیپلماسی و بابوسیله جنک ییوسته مانع شده است که یک دولت اروپائی بقدری قوی و در عین حال دشمن و یا متمایل بخصوصیت با بریتانها بشود و در این باب نیز پالمرستون (۷) سیاستمدار شهیر انگلیسی اظهار عقیده نموده بود که شعار اکثر سیاستمداران این گشور شده او گفته بود «بریتانیا دوستی ابدی و بادشانی ابدی بالحدی ندارد فقط منافع ابدی دارد» انگلستان در سال ۱۸۱۲ و در موقع جنک گریمه و چنگکهای بالوی چهاردهم پادشاه فرانسه و بانبلتون و چهارچین در سال ۱۸۳۹ با آلمان برای محفظ دو اصل مهم «زبور اقدام بجنک نمود».

چرا وچگونه قرارداد ۱۹۰۷ آنها دیگر یافته است؟

در اوایل ۱۸۹۹ میلادی لرد کرزن (۱) تایب‌السلطنه گندوختان بسطی وارد شد و در سپتامبر همان سال گزارش مفصلی دراجع به سیاست انگلیس در ایران و خلیج فارس بلندی نوشت در این گزارش کرزن به موضوع امکان پیش آمد رقابتش بین فرانسه و انگلیس در خلیج فارس و بقایی و بسط نفوذ اقتصادی آلمانها در ایران و علاوه بر این مدعی خود حکومت آلمان به کشیدن خط آهن بغداد و تأسیس کنسولگری آن دولت در بوشهر اشاره و خیلی اظهار نگرانی کرد و به تظاهر مخفی کردن فعالیت‌های این رقبب بزرگ و ملچه‌های براوی بلطفوگیری از توسعه خطر روس در آسیای مرکزی تدبیر و تقویت سیاست جدی‌تری از طرف انگلستان را در ایران و خلیج فارس به دولت خود پیشنهاد و اظهار خطر نمود که این قیمت از ایران بجه نوایی بری و چه تفاظت بحری آن مخفی متفاوت نفوذ انگلستان بوده و او نیتواند مشاهده کند که مال دیگر این نفوذ او را خود را تهدید خواهد بود.

لرد کرزن خود را در کرزن خاطر تسان می‌سازد که از او اعطا قرن نوزدهم در جنگ‌های زوینه و انگلستان مشترکاً استقلال و تسامیت ارضی ایران را اعلام و اشتهاید و او لیکن باز این کار در زمان تضییت خود را بری پالمرستن در انگلستان و صدارت ساخته شدروه (۲) صدراعظم روسیه در پنجم سپتامبر ۱۸۴۲ میلادی صورت گرفته و تضییت وزیر انگلیس به صدراعظم روسیه خیلی پیش از این بوسیله اتفاق نظر خود را می‌دان سیاست واحدی در پیش گرفته خواستار نظم داخلی ایران واستقلال و تسامیت ارضی آن مملکت هستیم کنت نشود هم در مراسله مورخه ۱۲ آکتبر ۱۸۴۸ خود را باز در سال ۱۸۴۹ تضییات را تکرار می‌نماید. لرد کرزن که از جمی‌تامین منافع انگلستان در ایران نگران شده بود در گزارش مزبور ضمناً اظهار نظر می‌کند که

شاید بتوان ایران را بوسیله همکاری روسیه و انگلستان زنده کرد مثلاً اقدامات مشترکی از طرف دولت بشدود که در ایران اصلاحاتی بعمل آید و برای هایله و وضع اداری تشکیلات جدید داده شود و منابع اقتصادی مملکت را بکار انداخت و از لحاظ خیر خواهی دولت نیمه جان ایران را زنده کرد یا این سیاست و راه حل اخیر وزیر مختار انگلیس در تهران سر هرتی هر دوراند (۳) موافق نبود و خود کرزن هم واقعاً همکاری مفید انگلیس و روس را در کار ایران دور از امکان میدانسته چنانکه در گزارش خود مینویسد روسیه طالب اصلاحاتی در ایران نیست بلکه خواستار انحصار

او است .

در سال ۱۸۸۹ میلادی روسیه با ایران قراردادی امضاء کرده بود که بموجب آن دولت ایران متعهد شد هیچگونه امتیاز کشیدن خط آهن بخار جی هاند هد مکر به روسیه و یا با اجلازه دولت روس مدت این قرارداد ده سال بود و بعداز انتضاعمیت مزبور بوساطه فشار روسها پنج سال دیگر تمدید گردید اتفاقاً این قرارداد باعث نگرانی و شکایت انگلیس‌ها شد و تزدیک بود بدولت ایران وهم بروسیه اخطار نمایند که هرگونه اقدام و تجاوزی در آینده از طرف روسها در شمال ایران مواجه با اقدام مشتابه از طرف انگلستان در جنوب خواهد شد این در واقع پیشنهادی بود که سفارت انگلیس در تهران نموده بود ولی لرد کرزن چون اولاً همکاری و اقدام مشترک روس و انگلیس را در ایران عملی نمیدید و اعلام سیاست فوق را هم موجب زحمت و باعث تحمیلات جدید برای انگلستان همپنداشت راه حل عجیب تقسیم ایران بدرو منطقه نفوذ را بته دولت خود پیشنهاد کرد و این عمل را بعقیده خود هم بنفع ایران میدانست و هم خیال میکرد بدین وسیله موجبات رفع اختلافات و رقابت‌ها بین روس و انگلیس در ایران فراهم میکردید .

لردها میلتون وزیر هندوستان در نامه محرمانه خود در جواب گزارش لرد کرزن در ژوئیه ۱۹۰۰ باو مینویسد: منظور شده ما دفاع از امپراتوری هندو جلوگیری

از خطر احتمالی است که ممکن است از راه بلوچستان و جنوب ایران پیش بیاید و باید در این خصوص هر اقدامی که میکنیم مقاومت سایر دول را هم که در جنوب ایران منافعی پیدا کرده اند در نظر بگیریم ولی راجع بیسط نفوذ و پیشرفت روسیه بسته مرزهای ایران و تقاطعی که او در آسیای مرکزی اشغال و تصرف نموده راه پیشروی بیشتر روسیه را در این قسمت آسان تر ساخته و مانند بدریا میتوانیم متکی باشیم و حال آنکه روسیه هرچه بیشتر در قسمت ارضی پیشرفت نموده قدرت و نفوذ او هم زیاد تر گردیده و اگر ما استقلال ایران را هدف عملیات خود قرار دهیم باید در نظر داشته باشیم که روس هم اکنون تمام مرزهای این مملکت را مورد تهدید قرار داده و بواسطه امتحانات و انحصار ایکه در ایران بخست آورده قسمت هم آنرا کاملا تحت نفوذ انحصاری خود دارد و ایالات شمالی ایزان عملا زیر تسلط کامل آنها است و اگر روس قصد تصرف آنحدود را هم بنماید ما کاری نمیتوانیم بگنیم و اگر بیشنهاد شما در باره تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را هم به روسها اطلاع بدهیم آنها آنرا بصورتی بشاه ایران خبر خواهند داد که ممکن است بضرر ما تمام شود و شاه اینطور خواهد فهمید که تقسیم سرزمین او بدو منطقه نفوذ هدف فعلی سیاست انگلیس است .

از نامه محترمانه مورخه ژوئن ۱۹۰۵ وزیر مختار انگلیس در تهران بوزارت خارجه انگلستان خوب استباط میشود که انگلیسها قضیه تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را برای رفع رقابتی و مبارزه های سیاسی خود با روسیه بر سرها پیشنهاد نمودند ولی اول جواب مساعد نشینیدند و در این نامه مینویسند که روسها همیشه قصه داشته اند ایران را تحت الحمایه خود سازند .

باری هستله اعضای قرارداد روس و انگلیس راجع بایران بواسطه مقاومت روسها مدتی بعده تعویق افتاد تا اینکه بواسطه پیش آمد جنگ ۱۹۰۵ روسیه و رژیم و شکست روسها که باعث ضعف نسی آنها شده بود فرصتی برای پیش بردن سیاست انگلیسها پیدا شد و آنها در صدد برآمدند که قضیه عموق تعیین منطقه نفوذ در ایران را تجدید و قراردادی در این خصوص با روسها اعضاء کنند .

سر آرتور هاروینک (۱) وزیر مختار انگلیس در ایران در تاریخ سیامبر ۱۹۰۵ قبل از کناره گیری ازیست وزارت مختاری گزارشی یوف از تجارت چه انگلیس در باره اوضاع ایران فرستاد و در آن گزارش میگوید پنطرا او تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس کار مغایر نیست چون دیر یا زود این کار منجر باین خواهد شد که انگلستان جنوب ایران را تحت حکم ایشان خود نماید و بدین ترتیب مانع منظور روسها که رسیدن به خلیج فارس باشد خواهیم شد و بنابراین آنها قبول نخواهند کرد بلکه بهتر نیست که از این رقابت و مبارزه دیپلماتیک که مدتی است در تهران بین دو دولت هست صرف نظر کنیم و مانند سازش روس و اتریش در قضیه بالکان در ایران هم طرفین توافقی حاصل کنیم که ایران کشور بین طرف و میتواند بماند و بشاه هم فشار بیاریم که در مملکت خود بعضی اصلاحات مالی و اداری که مانع این بین رفتن سلطنت در ایران شود بنماید.

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۶ سفیر کیر انگلیس در اسلامبول در نامه محرمانه خود به سر ادواد گری (۲) مینویسد که سفیر آلمان در اسلامبول علاقه خاصی در کار اختلافات مرزی ایران و عثمانی نشان میدهد در تعیین شخص دانا و سر قابلیتی مثل اشترین (۳) بست وزیر مختاری آلمان در تهران نشان میدهد که آلمانهادر نظردارند فعالیتی همی در ایران بنمایند و اگر بزود تر روسیه و انگلستان در قضیه ایران قرار دادی منعقد نسازند بعید نیست که عنقریب با دخالتی دولت آلمان مواجه شوند در سپتامبر ۱۹۰۶ وزارت خارجه انگلیس سفیر خود در بطریز بورک سر آرتور نیکلسن مینویسد که هرچه آقای ایزو لسکی (وزیر خارجه روسیه) زودتر نظریه خود را نیست بقرارداد دو کشور در خصوص ایران ابراز بدارد بهتر خواهد بود چون ما هنوز نمیدانیم روسها در باره این قرار داد چه نظریاتی دارند و سفیر کیر خود دستور میدهد که باب مذاکرات سیاسی را با روسها در موضوع افغانستان نیز افتتاح نموده و به ایزو لسکی اعلام بدارد که اگر دولت روس هایل باشد در باره ایران هم قرار دادی تهیه و افغان

شود انگلستان چنین کاری را استقبال نموده و بسیار خوشوقت خواهند شد پیشنهادات روسها را در اینخصوص دریافت دارند.

در سپتامبر ۱۹۰۶ سفیر انگلیس در سن پطرزبورگ بوزارت خارجه انگلستان گزارش میدهد که وزیر خارجه روسیه باوگفته که شخصاً باخط از بیر جند تا بذر عباس حدود منطقه انگلیسها که آنها پیشنهاد کردند موافق است ولی باید موافقت امپراتور وهمکاران خود راهم جلب کند وزیر خارجه روسیه ضمناً به سفیر کبیر انگلیس حالی نموده که تمام قصیه سازش و قرارداد مربوط به ایران ناشی از سیاست انگلستان است چون انگلیسها آنرا بمیان آورده اند و اظهار داشت که لازم است منطقه نفوذ روسیه بخليج فارس راهی داشته باشد و سفیر انگلیس جواب داد که او خیال نمیکند این قضیه مشکل لایحه ایجاد نماید در گزارشی که سر اداره گری به اداره هنتم پادشاه انگلیس در سپتامبر ۱۹۰۶ داده هیکوید هر چند روسها تا حال پیشنهادهای صریحی در خصوص توافق بین دو کشور راجع بخليج فارس ننموده اند ولی بدینهی است راهی بخليج تقاضا خواهند کرد و این پیشنهاد آنها بنظر وزارت امور خارجه شرط موقتی در کار قرارداد است در هر صورت این موضوع فعلاً در نظر نیست ولی اشکالاتی که در موضوع ارتباط تلگرافی بین مشهد و سیستان پیدا شده بنظر ما برای حل آن دوراه موجود است یکی یک قسم اشغال سیستان و جنوب ایران و تحت الحمایه نمودن این حدود دوم بوسیله موافقت و سازش دیلمانیک.

راه حل اول برای انگلستان خرج زیاد خواهد داشت و ناچار خواهیم شد همیشه وسائل دفاعی برای حفظ مرزهای اراضی اشغال شده حاضر داشته باشیم و اگر بوسیله سازش سیاسی از روسها بخواهیم که در جنوب شرقی و جنوب ایران برای ما رحتمی ایجاد نکنند ناچار ماهیت باید تضمیناتی با آنها در قسمت شمال و مغرب ایران بدیم در هر صورت برای تحقق منظور خودمان حتی لازم خواهد بود امتیازات در امور بازرگانی در خليج فارس به روسها داده باشیم و همینقدر که ما بتوانیم دهانه خليج را در این منطقه نفوذ خود محکم نگاهداریم دیگر خطری متوجه هندوستان از راه دریان خواهد بود و اگر روسها بوسیله تلگرافها و جاده ها و وسائل دیگر در جنوب شرقی ایران تولید

مزاحمتی ننمایند امنیت هند کاملاً تضمین خواهد شد. بنابر این در کار تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ و خالی گذاشتن قسمت هر کزی بین دو منطقه برای اقدامات اقتصادی مشترک اگر روسها بندری دو خلیج فارس بخواهند نباید جواب رد داد بلکه بهتر است موضوع را تحت مطالعه و مذاکره گذاشت. حکومت هندوستان میخواست که خط از بیرون چند تا خانقین جزء منطقه نفوذ انگلستان باشد بنظر وزارت امور خارجه انگلیس این کار بوسیله سازش سیاسی عملی نبود مگر آنکه جنوب ایران را جداً اشغال میکردند که خود تحمیلاتی بر مشکلات امپراتوری انگلستان میافزود.

انگلیسها برای انعقاد قراردادی که بالاخره درسی و یکم اوت ۱۹۰۷ با اعضاء رسید خیلی عجله داشتند ولی روسها عجله‌ای نمیبودند و در خود روسیه اشخاص وزدسته‌هایی اصلاً با امراضی آن مخالف بودند در اول اکتبر ۱۹۰۶ وزیر خارجه انگلیس بسفارتخانه‌های خود در پطرزبورک و تهران خبر میدهد که وزیر مختار ایران در لندن از او پرسیده آیا راست است که در باره مسائل آسیا بین دو سواحل قراردادی اعضاء شده که ماده ای هم راجع به ایران دارد وزیر خارجه جواب میدهد بواسطه وضع فعلی داخلی ایران ما با روسها در باره مسائل تلکرافات و قروض و سایر مطالب مذاکراتی نموده و برای رفع مشکلات فیما بین خودمان با این کار ناچار بوده ایم ولی مذاکره‌ای نکرد و ایم که لطمہ‌ای باستقلال و تمامیت ارضی ایران وارد سازد.

هار تویک (۱) وزیر مختار روسیه در تهران در اکتبر ۱۹۰۷ بوزیر مختار انگلیس سراسپرید که رایس (۲) میگوید علت تأخیز از جانب ما در امراضی قرارداد این است که نکرانیم اگر ایرانها از وجود آن آگاه شوند ناچار خود را بدمان آلمانها خواهند انداخت و اسباب مزاحمت دائم برای ما فراهم خواهد شد.

در اوایل نوامبر ۱۹۰۶ میسو ایزو لیسکی بعد از مراجعت از سفارت ایسراخیم و بولن بسفیر انگلیس در پطرزبورک میگوید که مشکلات و مخالفین زیادی برای عقد قرارداد تعیین منطقه نفوذ در روسیه داریم و از جمله ستاد ارش ما موافق نیست که ماقیستان را مطلقاً جزء منطقه انگلیس قرار دهیم انگلیس‌ها این بی‌میلی و مخالفت نسبت بامضای

قرارداد را حمل بر عرض روسها و قصد تجاوز آنها بهندوستان تلقی میکردند و موجب مزید نگرانی ایشان میشد سفیر کیر انگلیس در بطری بورگ وزیر خارجه خود در تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۰۵ گزارش میدهد که به الاقات سفیر کیر آلمان رفته و مشارالیه بوی گفته بود که آلمان قصد ندارد مانع درمذاکرات هر بوط بقد قرارداد بین روسیه و انگلستان راجع بایران ایجاد کند و قصد گرفتن اهتمازی هم ندارد ولی خواستار در آزادبرای آزادی مبادلات بازار گانی در ایران میباشد و این امر باید تضمین شود. سفیر انگلیس بهمکار آلمانی خود جواب میدهد منظور ما از انعقاد قرارداد با روسها درباره ایران رفع موجبات اصطکاک بین طرفین در ایران میباشد چون این رقابت و اصطکاک ماده ایران همواره بنفع سپاه قمداد ایرانی بوده و آنها همیشه خوشوقت بوده اند که روس و انگلیس را در ایران بجان هم بیناند از ند.

سفیر انگلیس در گزارش دیگر خود به سر ادوارد گری مینویسد که وزیر خارجه روسیه بارگفته است که در مسافت اخیر خود به برلن از پرسن فن بو (۳) صدراعظم آلمان پرسیده بود که نظریات دولت آلمان نسبت به مذاکرات روس و انگلیس درباره قرارداد هر بوط بایران چیست و آنها چه منافعی در ایران ذارند که مایلند تامین شود صدراعظم جواب میدهد هنظری درمذاکرات شمانداریم ولی خواستار مصونیت راه آهن بگداد و تضمین در آزاد درامود تجارتی آلمان و ایران هستیم در یکی از مذاکرات سیلیسی بین سفیر کیر انگلیس و وزیر خارجه روسیه در خصوص اعضا قرارداد مسبو ایزو لسکی بسفیر انگلیس میگوید چون ناچاریم این قرارداد را بعد از امضاء انتشار بدهیم موجب احترامن ایرانیان و مورد شکایت دول خارجه خواهد شد.

وقتی که روسها این مطلب را عنوان کردند سفیر جواب میگوید مقدمه بقرارداد اضافه میکیم که رفع سوء ظن و اعتراض آنها را بنماید. بنابر این مقدمه قرارداد را فقط برای اسکات دیگران و به منظور اقتضای منافع خودشان اضافه نمودند و در قسمت اول مقدمه اظهار داشته اند که برای حفظ استقلال و تماهیت ارضی ایران و حفظ نظام و آرامش و تأمین ترقیات توأم با صلح و صفا در ایران و تضمین تجارت تمام دول این قرارداد

را دودولت امضاء کرده اند و حال آنکه منظور واقعی همان تأمین مرزهای هندوستان از خطر احتمالی روسیه بود که در قسمت دوم مقدمه ذکر شده است.

در فوریه ۱۹۰۷ ضمن مذاکرات وزیر خارجه روسیه بسفیر انگلیس میگوید که ضمناً درباره افغانستان هم باید قراردادی فرماییں زودتر امضاء شود چون مسئله ایران ارتباط تامی با افغانستان دارد روسها هیتر سیندند که انگلیسها در کار افغانستان دخالت واژ امیر آنچه حمایت نموده و وضع قیشوی آنچه از تحت نظارت خود مرتب و بدین ترتیب از آن ناحیه خطری برای روسیه ایجاد کنند. در نیمه ماه فوریه ۱۹۰۷ وزیر خارجه روس طرح مقابله قرارداد را که دارای یک مقدمه و حاوی فقط دو ماده در خصوص تقسیم ایران به منطقه نفوذ روسیه و انگلستان بود بسفیر انگلیس داد در طرح خودشان روسها تهران را در منطقه خود گذاشته بودند انگلیسها میخواستند تهران ناحیه بیطرافی در منطقه روسها باشد چون نگران بودند که اگر پایتخت در منطقه نفوذ آنها یافتد موجب ازدیاد نفوذ و تساطع بیشتر روسها بشود اما روسها این پیشنهاد را قبول نکردند و انگلیسها چون مایل بودند هر طوری بود با روسها کنار بیایند در تحمیل پیشنهاد خود اصراری ننمودند. (۱)

سفارت انگلیس در تهران با امضا قرارداد ۱۹۰۷ مخالف بود

از بررسی مکاتبات سیاسی آن دوره چنین استنبط میشود که سفارت انگلیس در تهران اصولاً با امضاء قرارداد با روسیه در تقسیم ایران به منطقه نفوذ موافقت نداشت هم دوراند وزیر مختار وهم جانشین او سرسری نیک رایس گزارش‌های برعایه این سیاست بلند فرستادند سرسری نیک رایس در گزارش یازدهم آوریل ۱۹۰۷ خود بوزارت خارجه انگلیس وصول طرح قرارداد را که اصل آن بوزیر خارجه روسیه داده شده بود اشعار داشته و با لحن گله آمیزی مینویسد شما در این خصوص نه از من اظهار نظری خواسته و نه تمایلی بچنین اقدامی از جانب من نشان دادید با وجود این برای انجام تکلیف

(۱) (چون اصفهان در منطقه روسها میافتد و ظل السلطان که خادم انگلیسها بود در این شهر اقامت داشت ضمن مذاکرات، انگلیسها از روسها تقاضا کردند مزاحم اونشوند و روسها هم موافقت کردند)

نظریاتم را عرض میکنم که اگرچه سرحدات افغانستان و بلوچستان و سواحل خلیج فارس را بمحض این قرارداد مصون داشته و امتیازات ما را که در منطقه نفوذ روسیه واقع شده مانند معادن نفت و خط تلگراف خانقین و جاده سلطان آباد - دزفول را تأمین کرده اید و با ذکر بعضی وسائل دیگر قرارداد میتواند روسها حتی اگر قراردادی هم امضاء کنند بآن عمل نخواهند کرد و با این وسائل ما نمیتوانیم جلوی آنها را بگیریم و باید این مقصود را از راه تقویت خود ایرانیان و مقاومت خود ایشان در برابر تجاوزات روسیه حاصل کنیم و بگذاریم خود ایرانیها بواسطه تغیری که از اعمال روسها پیدا میکنند و مقاومتی که در برابر آنها خواهند نمود منظور ما که رفع خطر روس است حاصل شود از این اتفاقی قرارداد را بنفع انگلستان نمیدانست و معتقد بود در حالی که عقد قرارداد در وضع انگلستان در ایران مخصوصاً در شمال همکلت تأثیر مفیدی نخواهد داشت و از نفوذ روسها در ایران نمیتواند جلوگیری کند بر عکس انتشار آن در مردم ایران که همواره در مبارزات سیاسی روس و انگلیس انگلستان را حامی استقلال خود مینماید اشتباه تأثیر عظیمی خواهد کرد و ایرانیان از شدت یأس ناچار خواهند شد که بمنظور استمداد متوجه ململ دیگر شوند و از این راه نیز کار ایران سامان نخواهد یافت و تنها راه نجات استقلال ایران و مردم آن بسیاری خودشان و برخور داری ایشان از این حس اعتماد و قابلیت که بعد از تأسیس حکومت مشروطه در خود مشاهده گردیده است میباشد.

وزیر مختار هزبور باز در گزارش خصوصی مورخه ۲۶ آوریل ۱۹۰۷ خود بسر ادوار دگری مینویسد چون روسها بمحضه رفتاری نکرده اند که دلیل بیطری آنها در کار ایران باشد بهتر است از همکاری و اشتراک عمل با آنها خودداری کنیم نمایند گران روسیه شاه را کمک و اورا تشویق میکنند که اساس مشروطه و حزب ترقی خواه را خواه با وسائل عادی و یا با وسائل قهری از بین ببرد در ایران و ممالک اسلامی همکاری مابا روسیه و امضا این قرارداد تأثیر نا مطلوبی نسبت بخواهد نهود و تصور خواهند گرد که ما هم در باطن ما نشاند روسها قصد صدمه و اذیت ایران را داریم و عکس العمل این

کلار نسبت با انگلستان شدید خواهد بود و حتماً بمحبوبیت نسیم ها در ایران و گشورد های مسلمان اعلامه وارد خواهد ساخت در صورتیکه همین عمل باعث از دیاده رستم آلمان خواهد شد. در جواب این گزارش سرادر وارد گری بوزیر مختار خودشان میتواند که موافقت ها با روسها برای شناسایی استقلال ایران بوسیله عدم تجاوز مقابله دو گشورد در کار این مملکت بوده و ممکن است این اقدام ها باعث نگرانی و شکایت ایرانیها بشود که همیشه طالب دشمنی ها با روسیه بوده و همانمیتوانیم برای خاطرا ایرانیان خود مانرا با روسها طرف کنیم.

بالاخره در ماه زوئن ۱۹۰۷ طرح قرارداد روس و انگلیس که اول دارای «هاده و بعد آحاوی بیچ ماده شد بین دولات هبادله گردید و روسها موافقت خود را نسبت بطرح نهائی که انگلیس ها داده بودند با همی اصلاحات اعلام داشتند ولی ناگهان در اواسط ماه زوئن کاینده انگلیس پیشنهاد جدیدی کرد که نزدیک بود کار امضاء قرارداد را مختل سازد پیشنهاد مزبور این بود که در مقدمه قرارداد قید شود (با حفظ وضع فعلی در خلیج فارس) سفیر انگلیس در پطرزبورگ بدولت خود جواب میدهد که اگر پخواهیم این مطلب را در قرارداد وارد کنیم تولید مباحثات جدید خواهد کرد که موجب تأخیر امضاء قرارداد خواهد شد و تقاضا کرد کاینده انگلیس از این پیشنهاد صرف نظر کند و چندی بعد هم بلندن خبر میدهد که وزیر خارجه روسیه شرط مزبوره بوط بخليج فارس را قبول نکرده و گفته بوده است که در خاتمه مذاکرات پیش آوردن چنین مطلبی تمام موضوع را ممکن است دچار تغییر نماید و این امر باعث اعتراض دولتین عثمانی و آلمان خواهد شد.

در این حین وزارت خارجه انگلستان به سفیر خود در پطرزبورگ اطلاع میدهد که در صورت ازوم دولت انگلیس بدولات فرانسه مراجعت خواهد نمود که آنها بسفیر خودشان در پطرزبورگ دستور بدنهند در انجام منظور فوق و گنجاندن جمله (حفظ وضع فعلی در خلیج فارس) نزد دولت روسیه اقداماتی بکند سرازور نیکلسن فوری جواب داد دخالت دادن دولت ثالث در این کار ممکن است بسی شرط نباشد و باعث دخالت دیگران نیز بشود.

بعد از این اشکال از لندن مجدداً پیشنهاد کردند که در مقدمه قرار داد قید شود انگلستان منافع خاصی در خلیج فارس دارد با این پیشنهاد هم روسها موافقت نمودند لذا سفیر کبیر انگلیس به سرا دور از دگری مینویسد که یعنی از این نباید در این موضوع اصرار و روزنده چون ممکن است لطفه به امضا اصل قرارداد بزنند و بالاخره وزارت خارجه انگلیس با سفیر خود دستور میدهد که کتاباً انصراف دولت انگلیس را از این موضوع بوزیر خارجه روسیه اعلام بدارد. حکومت هندوستان که باعث پیشنهاد مزبور مربوط به خلیج فارس بود در این مورد شرحی بلند نوشته از این شکست و عدم موافقت اظهار تا سف و نگرانی شدید میکند ولی بالاخره در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۰۷ از طرف وزیر خارجه انگلستان دستور تلکرافی امضا سه قرارداد مربوط به ایران و افغانستان و تبت به سفیر خود در سن پطرزبورک صادر و در روز ۳۱ اوت ۱۹۰۷ قراردادها از طرف ایزولسکی وزیر خارجه روسیه و سرا دور نیکلسن سفیر کبیر انگلیس در پطرزبورک امضاء شد.

صفارت انگلیس خبر فحیم ایران را گفتار فکر دیپ هیکلند

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ قمری) وزیر سختار انگلیس یادداشت ذیل را برای وزارت امور خارجه ایران فرستاد :

بدوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد فیما بین انگلیس و روس قراردادی منعقد شده که تیجه آن دخالت دولتین در ایران و تقسیم این مملکت فیما بین آنها خواهد بود خاطر جناب اشرف ارفع مسبوق است که مذاکرات فیما بین دولتین روس و انگلیس بکلی طودیگراست چرا که جناب مشیر الملک که در این اوآخر به پطرزبورغ ولندن رفته مذاکرانی که با وزیر خارجه روس و انگلیس نموده و مشارا لیه ما از طرف دولتین خود مقصود دولتین را در ایران صریحاً توضیح کرده اند باید را پرت داده باشند جناب سرا دور از دگری وزیر امور خارجه انگلیس مفاد مذاکراتی که با جناب مشیر الملک داشته اند و همچنین مفاد مذاکرات مسیو ایزولسکی در دونکته اصلیه باهم

کاملاً متفقند یکی اینکه هیچیک از دولتین در امور ایران مداخله نخواهد کرد مگر اینکه صدمه بمال و جان رعایای آنها وارد آید دیگر اینکه مذاکرات در باب قرارداد فیما بین روس و انگلیس نبایستی برخلاف انتگریته و استقلال ایران بوده باشد جناب سردار وارد گری نیز اظهار داشته بودند که تا بحال فیما بین روس و انگلیس ضدیت بوده و هر یک میخواستند که توفیق دیگری را در ایران مانع شوند و هرگاه این ضدیت در این حال نامعلوم ایران امتداد بیدامیکرد برای طرفین یا برای یک طرف و سوشه پیدا میشد که در امور داخله ایران مداخله کند و نگذارد دیگری از این وضع حالیه فایده ببرد یا بضرر دیگری برای خود تحصیل فایده بنماید مقصود از مذاکرات حالیه فیما بین روس و انگلیس این است که چنین اشکالی فیما بین بروز نکند ولین مذاکرات بهیچوجه بر ضد ایران نبوده است در حقیقت چنانکه مسیوایزو لسکی برای مشیرالملک توضیح کرده و گفته‌اند « هیچیک از دولت مطالبه از ایران نموده و با یجهت دولت ایران هیتوانسته تمام هم خود را برای انجام مسائل داخله صرف نماید » هردو وزیر کاملاً در خصوص مذاکره نکردن موافق بوده و جای شبهه باقی نگذارده اند کلمات مسیوایزو لسکی که نیز حاوی قصداً نگلپس است از قرار ذیل است :

« قانون نامه دولت روس این خواهد بود که مادامیکه بمصالح آنها خللی وارد نیامده از هر گونه مداخله در امور داخله ممالک دیگر احتراز جویند و بکلی انحراف از این قانون در این مسئله حالیه غیر ممکن است » .

در باب شهرت تقسیم ایران فیما بین روس و انگلیس که میگویند دولتین مزبور میخواهند حوزه اقتدار برای خود تعیین کنند جناب سردار وارد گری و مسیوایزو لسکی این فقره را صریحاً توضیح کرده‌اند که بهیچوجه این شهر تها مأخذی ندارد و چیزی که دولتین میخواهند این است که قراردادی برای منع اشکالات و اختلافات آن بهسته شود که بمحض آن قرارداد هیچیک از دولتین در آن نقاط ایران که متصل بسرحد دیگری است نفوذ خود را پیشنهاد نمایند این قرارداد بمصالح خود ایران یاملت خارجه دیگری خللی وارد نمی‌آورد و نقطه دولتین روس و انگلیس را متعهد می‌سازد که در ایران در صد اقدامی که مضر بحال یکدیگر باشد بر نیایند و در آتیه از مطالباتیکه در گذشته تا آن درجه

مخل ب پیشرفت خیالات سیاسی ایران بوده است ایران را مستخلص سازد و اظهارات جناب مسیو ایزولسکی این است: (قرارداد فیماین دو دولت اروپائی که نهایت مصالح را در ایران دارند و آن قرارداد مبتنی است بر ضمانت استقلال و انتگریته) (۱) ایران اسباب ترقی مصالح ایران خواهد بود و ایران به مرادی و کمک دولت مقندر هم جوار خود هیتواند بعد از این تمام قوای خود را صرف ترقی داخله خود بنماید) از مطالب فوق ملاحظه خواهند فرمود که این شهر تهائیکه در این اوآخر درخصوص خیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران داده اند تا چه اندازه بی مأخذ است بیچوجه نیت حمله با استقلال ایران نداشته قصد دولتین از بستان این قرارداد اینست که استقلال ایران ابد الدهر تأمین نمایند نه فقط میخواهند عذر بجهت مداخله کردن در دست نداشته باشند بلکه قصدشان در این مذاکرات دوستانه این بود که یکدیگر را نگذارند در ایران بعذر حفظ مصالح خود و خالت کنند و دولتین مزبور امیدوارند که در آتیه دولت ایران ابد الدهر از طرز مداخله خارجه مستخلص و در اجرای امور مملکتی خود بوضع خودشان کاملاً آزاد بوده باشند که فواید آن عاید خودشان و تمام دنیا گردد.^۱

نامه و فیروزخان انجیلیس پس از استقلال ایران

وزیر امور خارجه ایران

(۲ شعبان ۱۳۲۵ قمری ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۷) (۲)

از آنجایی که دولتین انگلیس و روس مابلند که از هر گونه علل تصادف فیماین مصالح خودشان در بعضی نواحی ایران که از یک طرف متصل یا واقع است در حوالی بالا فاصله حدود افغانستان و پلوچستان و از یک طرف در سرحد روس احتراز جویند در این باب قرارنامه دوستانه امضاء نموده اند از قرارنامه مزبور دولتین مزبورین انتگریته و استقلال تامة دولت ایران را متفقاً قبول مینمایند و مدلل میدارند که قصد صادقانه آنها

۱- تمامیت ارضی — Integrity

(۱) عین همین نامه در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۷ از سفارت روس بوزارت خارجه ایران رسید.

ترقیٰ صلح آمیز آن مملکت و هنین برقراری دائمی فولاد تجارتی و صنایعی سایر مملکات مساوات است علاوه بر این هریک از این دو دولت متعهدند (در اصولی که دولت ایران امتیازات پخارجه بددهد) که در صدد تحریم امتیازاتی متصل بس رخداد یکری یا در حوالی آن سرحد بر نیایند مخصوص رفع اشتباه آتیه و نیز مخصوص احتراز ایجاد رضیع که ممکن باشد بای نحو کان دولت ایران را به حال اضطراب در آورد نواحی مزبوره را در قرارداد بطور وضوح تعیین نموده اند درخصوص مالیاتی که برای تأمین قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی ایران معین شده دولتین روس و انگلیس قبول نموده اند که این مالیات در آتیه کمافی سابق برای همین منظور برق رار بوده باشد و دولتین مزبورین متفقاً متعهد می شوند که در صورت عدم ترتیب ادائی و وجه استهلاک یامنافع قروض سابق الذکر دوستانه در اینباب با هم مشورت نمایند که متفقاً ملاحظه کنند برای تأمین مصالح طلبکاران (بموجب قانون بین المللی) و برای احتراز از هر گونه مداخله که مخالف اصول این قرارداد باشد لازم است چه اقدامی بعمل آید در ضمن امضای این قرارداد دولتین مزبورین از اصول اصلی که مرعاات کامله اتکریته واستقلال دولت ایران بوده باشد به بیچوجه صرفنظر ننموده اند مقصود از این قرارداد چیزی نبود مگر احتراز از بروز اشتباه فيما بین دولتین متعاهدین از جهت امور ایران دولت علیه ایران مقاعده خواهد شد که این قرارداد فيما بین دولتین روس و انگلیس کاملاً اسباب امنیت و سعادت و بالآخره موجب ترقی ایران خواهد بود.

و زیر مختار انگلیس در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی) متن فرانسه و ترجمه فارسی قرارداد را ضمیمه مراحله ذیل برای سعد الدوّلہ وزیر امور خارجه ایران فرستاد.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا میگردد بموجب دستورالعمل که از دولت متبوعه دوستدار رسیده شرف دارم که صورت ترتیب هنقهده فيما بین دولتین انگلیس و روس مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ را تائیده ای که راجع بدولت علیه ایران است لذا ایندادارم مخصوص تسبیل قرائت نوشته مزبور ترجمة غیر مستند آنرا بنسخه فرانسه العاق داشت مخصوص احتراز از هر گونه اشتباه نیز باید اظهار بدارم که

مسلم است نسخه فرانسه سندیت خواهد داشت صورت این قرار داد رسم‌آبدول معظمه ایجاد خواهد شد و بزودی نیز انتشار خواهد یافت. سر اسپریث را بس

مقدمه ترجمه فصول معاہدة دولتین روس و انگلیس راجع بسیران که در یادداشت سفارت روس بوزارت امور خارجه ایران مندرج است :

بفضل الهی عافیکلاای دوم امپراطور بل استقلال کل ممالک روسیه و مسکو و کیوو ولاد میر و نوگرود پادشاه غازان و حاجی ترخان و لهستان و غیره وغیره اعلام میداریم بمحض موافقیکه فيما بین ها و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان حاصل شده بود و کلای مادر پطرزبورغ بتاریخ ۲۸ آوت ۱۹۰۷ قراردادی را که راجع بکارهای ایران و افغانستان و تبت و شرح آن کلمه بکامه از قرار تفصیل ذیل است منعقد و ممضی داشتند.

متن قرارداد

اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان چون از روی صداقت مایل بودند که بارضایت طرفین بعضی مسائلی و اکه در آسیا دولتین در آن ذی منفعت بودند تسویه نمایند مصمم شدند که بعقد موافقی از هر گونه اختلافات فيما بین روسیه و بریتانیه جلوگیری نمایند و با این مقصود امپراطور روسیه مسیو ایزولسکی وزیر امور خارجه را و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایرلند و امپراطور هندوستان سر نیکلولسون (۱) سفیر کبیر خود مقیم در بار روسیه را و کیل خود قرار دادند و ایشان بعد از ارائه اختیار نامه جات خود که صحیح و معتبر بود مراتب ذیل را مقرر داشتند:

فصل اول - دولت بریتانیا متعهد میشود که در هاوراء خطی که از قصر شیرین شروع شده از اصفهان ویزد و خواف گذشته بقطه ای در سرحد ایران در مقطع حدود روسیه و افغانستان (ذوقفار) متعهد میشود برای خود امتیازی خواه تجارتی باشد خواه

(۱) سر آرتو نیکلولسون تا نو امیر ۱۸۸۵ نایب سفارت انگلیس در تهران و از این تاریخ ۱۸۸۸ میلی میزی کاردار سفارت بود هارولد نیکلولسون نویسنده سیاسی و ناینده سابق مجلس مبعوثان انگلیس فرزند اوست که در تهران تولد یافت.

سیاسی از قبیل امتیاز راه آهن و بانک و تلگراف و حمل و نقل و بیمه وغیره تحصیل ننمایند و از رعایای انگلیس یا دولت دیگر در تحصیل این امتیازات تقویت نکند و در صورتی که دولت روسیه در تحصیل این قبیل امتیازات تقویت نکند دولت انگلیس بطور مستقیم یا غیر مستقیم تعرض ننمایند.

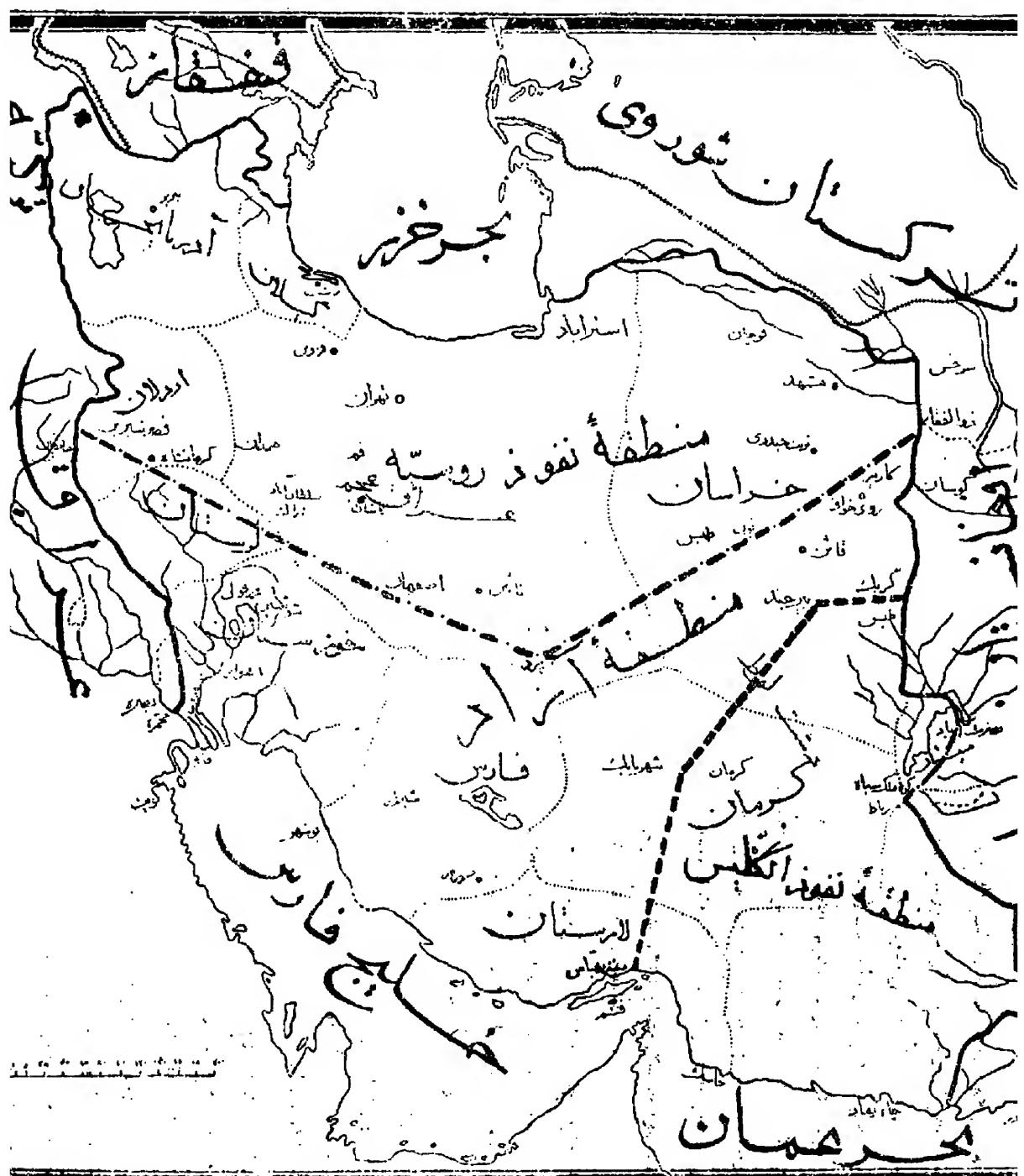
بدیهی است محل مفصله فوق قطعه ایست که دولت بریتانیا متعهد میشود در آنجا در صدد تحصیل امتیازی نباشد.

فصل دوم - دولت روسیه از طرف خود متعهد میشود که در موارد خطری که از سرحد افغانستان از گزینه شروع شده از بیر جندو گرمان گذشته بین در عباس منتهی میشود برای خود امتیازی خواه تجارتی باشد خواه سیاسی از قبیل امتیاز راه آهن و بانک و راه و حمل و نقل و بیمه وغیره تحصیل نکند و در صورتی که دولت انگلیس در تحصیل این امتیازات تقویت نکند دولت روسیه بطور مستقیم یا غیر مستقیم تعرض ننماید بدیهی است محل مفصله فوق قطعه ایست که دولت روسیه متعهد میشود در آنجا در صدد امتیاز نباشد.

فصل سوم - دولت روسیه متعهد میشود که بدون مذاکره و قرارداد با دولت انگلیس از اینکه در وسط خطوط مفصله در مواد ۱ و ۲ امتیازی بر عایای انگلیس داده شود ممانعت ننماید و همچنین بریتانیا در باب امتیازی که بر عایای دولت روسیه در نقاط هزبود داده شود همین تعهد را هبندیم تمام امتیازات که فعلا در نقاط مفصله در مواد ۱ و ۲ موجود است بحال خود باقی خواهد بود.

فصل چهارم - واضح است که عایدات گمرکات ایران غیر از گمرکات فارس و خلیج فارس که محل تأثیر اصل و فرع قروضی میباشد که دولت ایران از بانک استقراری ورهنی ایران تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است کماکان بهمان مصرف خواهد رسید واضح است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و نیز عایدات صید ماهی در کناره بحر خزر که متعلق به ایران است و همچنین عایدات پست و تلگراف کافی سابق بصرف استقراری خواهد رسید که دولت ایران از بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است.

نقشه ایران بعد از نیمیان مناطق نفوذ روس و انگلیس



فصل پنجم - در صورتیکه در استهلاک یا در تأديه تنزیل قروض که ایران از بانک شاهنشاهی ایران و بانک استقراری و رهنی تاریخ امضای این قرارداد نموده است بی ترتیبی بروز نماید و اگر مقتضی بشود که در عایداتی که محل استقراری است که از بانک استقراری و رهنی ایران شده است روسیه در تقاضیکه در عاده دوم ذکر شده است نظارت نماید و اگر برای دولت انگلیس اقتضا نماید که در عایداتی که در عاده اول این قرارداد ذکر شده است نظارت نماید دولتین روس و انگلیس متعهد میشوند که قبل از وقت دوستانه عبادله افکار نموده در اقدامی که برای نظارت باید بگشند اتفاق کرده از اقدامی که مغایر اساس این قرارداد باشد احتراز نمایند.

پاسخ مو رخه ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری وزیر امور خارجه ایران
بنامه وزیر مختار انگلیس

مراسله محترمه جناب جلالتمآب وزیر مختار مو رخه ۱۵ شهر شعبان ۱۳۲۵ و ۲۸ سپتامبر ۱۹۰۷ که متنضم سواد یک قسمت قرارداد منعقده فيما بین دولتین قویشوکتین انگلیس و روس راجع بایران و دارای یک مقدمه و پنج فصل بود و اصل گردید اینک در جواب زحمت افزا میشود چنانکه خاطر نصف مظاهر آن جناب تصدیق خواهد کرد قرارداد هز بور فیما بین دولتین قویشوکتین انگلیس و روس منعقد شده بنابراین مفاد آن هم راجع بدولتین مرقومین که قرارداد هز بور را مضاء کرده اند خواهد بود و دولت علیه ایران نظر باستقلالی که بفضل خداوند متعال بخودی خود دارا است کلیه حقوق و اختیارات ایرا که از استقلال تمام این دولت علیه حاصل است از اثر نفوذ هر قسم قراردادی که ماین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا میشود اصولا و حتما مصون و محفوظ میدارد و از روایت خود با دول متحابه و تشیید مبانی و داد و یکجهتی موافق اصول عهود مقدسه و قاعده درهای باز برای تجارت بین المللی سعی بلیغ خواهد داشت در باب وجود استقراری هم بدینی است که دولت علیه فصل قرارداد هائیرا که در اینباب منعقد شده است بدون تخلف رعایت خواهد نمود برای اظهار و اعلام اصولی که در این مراسله متفق و مصرح است سوادی از آن برای نمایندگان دول متحابه متفقین در بار علیه ارسال گردید -
حسن مشیر الدوّلہ

نامه مو رخه ۲۷ رمه ماه ۱۳۲۹ وزیر مختار امریکا بوزیر امور خارجه ایران
 مراسله مو دت مو اصله مو رخه دوم شهر رمضان المبارک با انصمام مواد مراسله
 جوا به نمایندگان دولتین قویشو کتین روس و انگلیس در مستله قرار داد فيما بین آن دو
 دولت در باب ایران که امضاء کرده بودند و اصل فوراً صورتی از آن بدولت متبع مفخم
 خود ارسال میدارد و بحضور مستطاب عالی نیز خاطر جمعی میدهد که دولت متبع
 دوستدار نسبت باین دولت علیه واشکلاتی که واقع شده است با نیت صافی و دلسوی
 امیدوارند که نهایت سعی و درانتقام مخالفت آن مرعی خواهند داشت.
 بزیچمن اهرسن

وزارت امور خارجه شمن نامه شماره ۱۱۳۱ و ۲۲۵ مو رخه غره شوال ۱۳۲۵
 هجری قمری از مراسله مزبور سفارت امریکا تبکر نمود.

دو ماه قبل از امضای قرارداد ۱۹۰۷ وزارت امور خارجه انگلیس در جواب استفسار
 وزیر مختار ایران در لندن اظهار داشت که صحبت تقسیم ایران بمنطقة نفوذ در میان
 نیست اولین چیزی که در قرارداد ذکر شده استقلال و سالم ماندن ایران است فقط قراری
 که داده شده این است که در بعضی نقاط جنوبی ایران از قبیل سیستان و آنحداد روس
 در صدد تحصیل امتیاز از دولت ایران بر نیاید و ما هم در شمال ایران در صدد تحصیل
 امتیازات از دولت ایران بر نیاییم از خلیج فارس و قسمتی از دیگر هم در قرارداد کری
 نشده مقصود عمدۀ رفع ماده رقابت و بر قراری صلح است و گمان ندارم که دولت ایران
 بعد از ملاحظه متن آن ایرادی بر این قرارداد بگیرد و اگر دولت ایران بپیچ یا که از ما
 امتیاز ندهد در حقیقت این قرارداد را کان لم یکن کرده است.

سفارت ایران در لاهه در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۲۵ گزارش داده بود که از طرف
 دولت و ملت آلمان هر نوع سعی و کوشش شده که بلکه مانع از پیشرفت اینکار بشوندو
 نگذارند که عقد اتحاد مایین دو دولت صورت پذیرشود و در واقع هم در سر بعضی از
 مطالب مندرجۀ در این عهدنامه بطوری اختلاف رأی مایین مامورین دولتین حاصل شده
 بود که آنها بکه برضد ایران قرارداد بودند مخصوصاً دولت آلمان کاملاً امیدوار بود
 که این قرارداد بهم بخورد موضوعی که بیشتر اسباب خشم دولت آلمان شده این است

که یکی از مطالب مهم مندرج در این قرارداد که طرفین تعهد کرده‌اند هسته بی‌طرفی در آسیا است باین معنی که بعضی از دول آسیا را بی‌طرف قرار داده و باین واسطه رفع اختلاف ما بین خودشان نموده و طوری نمایند که دیگر دول اروپا در آن‌هه آسیا هسته سیاست آنرا موردو اسباب منازعه و اختلاف خود قرار ندهند در هر صورت فواید این عمد نامه بدیهی است برای دولتین متعاهدین است و برای کشورهای ضعیف و ناتوان زیانش بسیار.

نقائصی که صفاتی اپر آن در لندن

وزیر مختار ایران در لندن اظهار نظر کرده بود « با این وضعی که ایران دارد قراردادیین روس و انگلیس با اینکه تعیین منطقه نفوذ نموده و در باب رهن و استقرار اخた در این قرارداد اند روی هم رفته برای ایران بهتر است چون قبل از قرارداد ایران بیشتر در هر منطقه خطر بود زیرا بواسطه ضدیت و رقابتی که بین دولتین بود امکان داشت که هر آن وضع طوری بشود که معارضه بین دولتین تولید گردد و در آن میان هزار نوع صنعتی به ایران وارد آید و انگلیس سیستان و نقاط جنوبی را در تحت حمایت و بلکه تصرف خود آورد و روس هم شمال را و یا در صورت ضعف یکی از این دو دولت تمام ایران تحت نفوذ و تسلط بکشد از آنها در آید اگر این خطر بزرگ نبود البته قرارداد برای ایران بد است زیرا که بواسطه تقسیم دایرۀ منافع حالاً از استقلال ایران می‌کاهد و هرگاه ایران بضعف حالیه بماند این قرارداد اسباب خواهد شد که مآل ایران بین دولتین تقسیم شود قرارداد حفظ استقلال و تعامیت ایران را مینمایدیس ایران از خطر بزرگی که بواسطه ضدیت بین دولتین بود جسته است و هرگاه منظم و مقتدر شود کم کم باطل می‌شود صورت ظاهر قرارداد را که شخص ملاحظه می‌کند قانوناً دولتین کاری در ایران نمی‌توانند بکنند و ایران را مجبور نمی‌توانند بمنایند و حتی اگر ایران بخواهد در شمال بیکنفر انگلیسی امتیاز بدهد و در جنوب بیکنفر روس نمی‌تواند در صورتی که آنها حمایت و همراهی دولت متوجه خود را نمتوانند ولی البته این هسته اسباب اشکالات و گفتگو خواهد شد و بهتر است که سعی شود بهبیچه از دولتین امتیاز ندهند.

تقسیم دایرۀ منافع هم تا اندازه‌ای باستقلال ایران بر می‌خورد و دولت علیه خوب است پرتوست نمایند و اعظم بزدارند که در دادن و ندادن امتیازات خود را مختار میدانند شرطی که در باب استقرار اضطراری و کنترل در گمر کات شده نیز باستقلال مایل می‌خورد اگرچه می‌گویند که این شرطی است که در ممالکی که مالیات خود را رهن استقرار ارض مینمایند گذاشته می‌شود چنانچه در عثمانی هم این ترتیب همیشه معمول می‌بود ولی این قبیل شرایط در مملکتی مثل ایران همیشه اسباب شده که دول شرط کننده بزور در امور داخله مملکت مداخله نمایند و باید پرتوست شود تمام ضرر و عدم ضرر این قرارداد بسته بتقویت و انتظام داخله ایران است هرگاه مقتدر و منظم بود دولتین اصلا این قرارداد را نمی‌بینند و حالا هم اگر انشاء الله تعالی قوامی پیدا کند و امور داخله اصلاح شود این قرارداد کم باطل خواهد شد و اثری نخواهد داشت و هرگاه خدای نخواسته غیر از این باشد استقلال ایران متدرجأ بکلی از میان خواهد رفت و حدودی را که حالا دایرۀ منافع خود قرار داده‌اند بکلی در تحت سلط و حکمرانی خود خواهند آورد.

اولیای دولت علیه بپرتوستند که این قبیل پرتسهای ائمه ندارد و همین قدر لازم است محض اینکه دولتین سکوت را علامت رضان نمایند و برای آتیه جای حرفی باقی باشد هادامیکه ایران در این حال است حضرات هر کاری که بخواهند می‌کنند هر قدر معاہدات در انتظار مملک و قانونا مقدس باشند دولتین آنچه منفعت و صرفه خودشان است خواهند نمود و هر وقت هم لازم شود از عهد شکنی مصایب خواهند داشت و اگر هم دولت نالی بمحابیت ایران برخیزد و میانجینگری نماید اورا هم بخرج ایران راضی خواهند نمود و حق السکوت خواهند داد اول چیزی که لازم است برقراری انتظام داخله و تهیۀ قشون کافی است که بتواند اقل اسرحدات مملکت را حفظ نماید و هم روزه در مطبوعات خارجه ننویسنند که عساکر عثمانی بطرف فلان قریه ایران حمله نموده و فلان شهر را تصرف کرده‌اند و هر دم بپرسند که آیا در سرحد ایران یکنفر سر باز پیدا نمی‌شود و چطور است که هیچ ممانعت و دفاعی از طرف ایرانیها نمی‌شود در صورتیکه ما مجبور هستیم که بدولیکه در پی زیاد نمودن نفوذ و اقتدار خود در ایران هستند (و از خدامی خواهند که مابطوری بی قدرت و بیچاره باشیم که در کف دست آنها مثل هم بهر شکلی که می‌خواهند

مارا در آوروند) ملتجمی شویم و از آنها بخواهیم که دشمن را از خانه ها بیرون گشته
چه آبرو و عرضه دیگر برای مایش این دولت باقی میماند و پروتست و گلهوشکایت
چهایده و نمرخواهد داد.

در همان موقع و کیل قانونی مختار لندن در باب قرار داد نظر داد که دولتین
در مقدمه آن اظهار کرده اند که مایل بحفظ انتظام و ترقی و آرزوی صاحب و آرامی
در ایران هستند این خود مسئله ایست که تا چه درجه دولتین میتوانند در حفظ انتظام
ملکت همچواری مداخله نمایند جو تهای این مداخله را ذکر نموده اند ولی دولت
ایران خوب است پروتست نماید در این باب در فصل ۲ و ۳ که دولتین متعاقب میشوند در
حدود یکدیگر امتیاز نخواهند ربطی با این ندارد زیرا که ایران طرف نیست و این
قراردادی است بین دولتین و این قرار داد برای ایران بد است زیرا که باین واسطه
قبرت امتیاز دادن ایران محدود میشود و هرگاه تبعه روس در جنوب امتیاز بخواهد
انگلیس ضدیت خواهد کرد بهمین منظور اگر انگلیس در شمال اگرچه بموجب قرار
داد ایران مجبور نیست مخالفت طرفین را قبول نماید ولی این نکته ایست که طرف
کدام باید باشد دیگر اینکه بموجب فصل ۳ دولتین میخواهند در دابره بی طرف
هم در مسئله امتیازات بمشورت یکدیگر کار کنند و حق مخالفت معین کرده اند
کلیه این فصل در باب امتیازات بد است زیرا مانع میشود از اینکه ایران در اقدامات
مالی و اقتصادی سرمهایه داران اینگلیس و روس خصوصاً انگلیس را که در سرمهایه
داری برسایر علل برتری دارند دخیل نماید و راجع باستقرایات و رهن گمرکات
خود واضح است که بد است و پروتست لازم دارد.

هرگان شوستر (۱) در کتاب اختناق ایران مینویسد که :

قرارداد ۱۹۰۷ چیز مسخره و پر تزویری بود و نمیتوانست دلیلی بروای منع
روس و انگلیس از استخدام هاجراستو گز (۲) برای زاندارمی ایران باشد چون در
مقدمه همان قرارداد تصدیق و تصریح شده که روس و انگلیس تعهد دارند که تعاملیت

ارضی و استقلال ایران را محترم شناخته و تمایل صمیمانه خود را برای حفظ نظم صلح آمیز و ترقی در سراسر ایران اعلام داشته‌اند و یکی از اصول اولیه حق حاکمیت بک کشورهم آنست که در اداره امور داخلی خود لاقل در حدود حقوق بین‌الملل مختار باشد و بدون تردید عزل و نصب مأمورین هم جزو همین حقوق ملی است و انگهی منتظر نمایان قرارداد این بود که هیچیک از طرفین نباید برای خود یا تابع خویش هیچگونه امتیاز سیاسی یا انجاری در منطقه نفوذ دیگری بخواهد و قضیه استخدام ماجراست و گز هیچ ربطی با این مسئله نداشته و بهیچوجه و تصوری نمیتوان گفت که کار استخدام او امتیازی برای انگلستان بوده بدیهی است این موضوع بفکر وزارت خارجه انگلستان هم خطور نموده بود اوقیانکه روسها موضوع را پیش‌کشیدند و این تفسیر روس‌ها مورد نداشته چون مقررات قرارداد باندازه کافی صراحت داشته و جسای تفسیری نبوده است و اظهار سرادراند گری که این عمل بر خلاف روح قرارداد بوده عاری از حقیقت است.

* * *

رجال و محافل انگلیسی منتبه به حکومت هند که احساسات شدید خد روس داشتند با قرارداد ۱۹۰۷ بصورتیکه اعضاء شده بود مخالف بودند در ۶ فوریه ۱۹۰۸ ارد کرزن در مجلس لرد‌ها با این قرارداد که آن را بیشتر بر له روس‌ها نمیدانست مخالفت کرد و باز تأکید نمود که خطر حقیقی برای هندوستان از راه خلیج فارس خواهد بود.

لرد کرزن معتقد بود که انگلستان بال مضاره این قرارداد سیاست دیرین آسیاگی انگلایس را فدای مقتضیات دیپلماسی از پیشگامی ساخت و این کار خیانت نسبت باعتمادی بود که ایرانی‌ها در مدت نیم قرن بدوستی انگلستان نموده بودند لرد کرزن بقول هارولد بینیکلسن از زندگی آرام منزوی خود سر بر کشید تا بر ضد قرارداد ۱۹۰۷ علم مخالفت بلند کرده باشد و هیکفت من گمان نمی‌کنم که این قرارداد از لحاظ قسمت ایران آن منجر بامنیت هندوستان و یا استقلال ایران بشود و یا موجب تأمین صلح و صفا در آسیا گردد و این پیش‌بینی کرزن صحیح در آمد.

قرارداد ۱۹۰۷ فقط برای منظور موافقه قوا در اروپا بایجاد شد تمدید روز افزون قدرت آلمان چه درخششکی پادر دریا باعث شد که کابینه انگلیس از خود بپرسد آیا آناتات فرانسه و انگلستان از یک طرف و اتحاد روسیه و فرانسه از طرف دیگر کافی خواهد بود که دولت آلمان را از اقدام بعملیات خطرناک بازدارد در اثر این نگرانی و بررسی ها باین تیجه رسیدند که این دو اتحاد سیاسی باید بایک قرارداد روس و انگلیس مستحکم و تکمیل گردد.

لرد کرزن در همان موقع اعلام داشته بود که این قرارداد نه فقط در نظر ایرانی ها و خارجیها بمنزله قصد تقسیم ایران تلقی خواهد شد بلکه روسیه حتی یک آن هم خود را واقعاً پابند اصولی که در مقدمه قرارداد قید شده نخواهد دانست کرزن در این پیش بینی خود نیز صادق بود.

لرد کرزن و صاحب نظران سیاسی مر بوط بحکومت هند معتقد بودند که در ترسیم منطقه نفوذ بایستی قسمت جنوبی کشور از سیستان کرمان یزد اصفهان و همدان ناحیه انگلیس باشد. چون روسیه نه تنها منطقه شمالی را که شامل پایتخت هم بود مورد تهدید و تحت حمایت خود قرارداد بلکه در قرارداد پوتیدام که بسال ۱۹۱۱ با آلمان بست با آن دولت موافقت حاصل کرد که رشته راه آهن آینده شمال ایران با خط آهن بغداد در خانقین اتصال یابد و اعتراضات دولت انگلیس هم نسبت به چنین سازش سیاسی که مخالف قرارداد ۱۹۰۷ بود بجایی نرسید و اطمینان انگلیس هم که لندن به تهران هیداد در اینکه بطرز بورک را به مقدمه قرارداد ۱۹۰۷ مقيد خواهد کرد اساسی نداشت و ایرانیان باین اطمینانها وقیع نگذاشتند و موقعیکه روسها ببارگاه امام رضا را بمباران کردند دیگر اعتماد ایرانیها نسبت به حسن نیت و اقتدار انگلیس بسرعت روز بروال رفت و این سلب اعتماد وقیع شدید شد که بشوینکها در نوامبر ۱۹۱۷ مواد تعهد نامه سری موسوم به « موافقت نامه ۳۸۴ مه ۱۹۱۵ » را منتشر ساختند و بموجب این قرارداد روس قسطنطینیه و تونگکه هارا تصرف میکرد و انگلیس در عرض تمام ناحیه بیطرف واقع نیز دو منطقه نفوذ زاده ایزان بر منطقه خود میافزود و در نتیجه این عهدنامه روس در شمال ایران آزادی عمل مطلق پیدا میکرد.

ناتاشار این قرارداد برای طرفداران انگلیس در ایران اشکالی نداشت که پنداسته باشند قراراد ۱۹۰۷ را انگلیسها در اثر موجبات و مقتضیات سیاسی اروپا امضا کردند و تا آنوقت پیوسته این دولت باعجز و سستی ولی شرافمند ازه برای حفظ استقلال ایران در برابر قدرت روس سعی مینموده ولی بس از انتشار این موافقنامه حتی سر سختترین انگلوفیلها دیگر نمیتوانستند منکر این حقیقت بشوند که انگلستان بسیاست عملی روس که تقسیم سرزمین ایران بود تسلیم گردیده بود.

سرادواردگری بانی حقیقی قرارداد ۱۹۰۷ بود

ترولیان (۱) مورخ شهر انگلیسی در شرح حال سرادواردگری مینویسد که وی بانی واقعی قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس بود و دوفکر باعث شد که سرادواردگری این قسمت از سیاست منطقی لرد لنددون (۲) وزیر خارجه سابق انگلیس را در مناطق جدید عاملی سازد یکی آنکه از این راه بدوره رقابت و مشاجرات روس و انگلیس در حدود ایران و هند و افغانستان و یادرباره مسائل داخلی ایران خاتمه بینهاد و مانع بروز جنگ بین روسیه و انگلستان شود.

چون رفته خطر پیشرفت روسیه بطرف هندوستان شدیدتر شده و تصادم منافع روس و انگلیس در ایران صورت خطرناکی پیدا کرده بود. مصالح دو امپراطوری انگلیس و تزاری روس در چندین نقطه نه فقط در ایران بلکه در حدود افغانستان و قبّت نیز بطوری در حال اصطکاک بود که سرادواردگری چاره‌ای بهتر از آن ندید که برای رفع مشکلات سیاسی و حل اختلافات با روسیه داخل هذا کرات مستقیم بشود و قراردادی فیماین دو دولت امضاء و مانع مشاجرات و تصادفات سیاسی گردد. ولی این راه حل مطابق با نظریه رجال وابسته به حکومت هندوستان مقیم لندن نبود.

دلیل دیگر پیش آمد بحران مراکش بین آلمان و فرانسه بود و سرادواردگری از

احتمال وقوع جنگ بین روس و انگلستان سخت بیعنای است بود زیرا از چنین واقعه خطرناکی فقط دولت آلمان قوی که در جناح هر دو قرار داشت میتوانست بهره مند شود بعلاوه چگونه ممکن بود انگلیس با فرانسه اتحاد و دوستی داشته باشد ولی با متحد فرانسه یعنی روسیه دشمنی و مخالفت نمایند و در چنین وضعی کاملاً امکان داشت که ناگهان روسیه برای پیش بردن مقاصد خود در آسیا، با آلمان در اروپا قراردادی امضاء کند و قضایا بزیان انگلستان تمام شود بهمین دلیل در حین مذاکرات کنفرانس مراکش سر ادوارد گری به سر ارتو نیکلسن که نماینده انگلیس در آن کنفرانس بود مینویسد که انعقاد یک قرارداد اتحاد بین روسیه و فرانسه و انگلستان امنیت مارا کاملاً تضمین خواهد کرد و به سراسپر یانک رایس وزیر مختار انگلیس در تهران نوشتند بود :

هم احتیاج اعضای قراردادی با روسیه راجع به ایران و هم اشکالاتی که در این امر وجود دارد قابل انکار نیست

از طرفی مقاومت باتمایل افراطیون روس در اشغال و تصرف ایران البته از طرف خود ایرانیان عملی نبوده و اگر از راه دیپلماسی و سازش سیاسی انگلیس اینکار را نمیکرد چاره‌ای برای جلوگیری از اشغال ایران از جانب روسها و تزدیک شدن آنها بخلیج فارس و حدود هندوستان نداشت همگرایشکه با روسیه از در جنگ درآمده باشد و آنها که از سیاست اعضای قرارداد روس و انگلیس انتقاد کرده‌اند هیچ ندفته‌اند که کدام یک از دوراه حل دیگر را بیشتر می‌پسندیدند آیا اشغال ایران بوسیله قوای روس یا اقدام انگلیس به جنگ باروسیه را.

در آن موقع افکار عمومی در انگلستان و حتی افراد رادیکال حزب خود او و نگارگران انگلیس طرفدار رویه مقاومت در مقابل روسیه بودند که ممکن بود منجر بجنگ شود و فکر انگلیسها در اینیاب که انگلستان باید شمال ایران را نیز از خطر روس هصورن بدارد بواسطه طرز حکومت ظالماهه و جبار تزاری تایید میگردید و با آنکه سر ادوارد گری بستگاه دولتی روسیه اعتماد نداشت برای پیشرفت منظور سیاسی خود باز ناگزیر بود با آنها کنار ییابد.

مذاکرات رسمی هربوط بقرارداد از ماه زومن ۱۹۰۶ تا اوت ۱۹۰۷ در جسریان بود و رقابت سیاسی روس و انگلیس در ایران در این تاریخ بحد خطرناکی رسیده بود سر اسپرینک رایس وزیر مختار انگلیس در تهران در ماه نوامبر ۱۹۰۶ بوزیر خارجه خود نوشته بود :

« رفتار هارتویک (وزیر مختار روسیه در تهران) واقعاً خیلی دوستانه است و اوجداً مایل است که درباره مسائل اروپائی قراردادی فیما بین ما اعضاء شود ولی بیچوچه تردید ندارد که دولت روسیه طالب است که تمام ایران را تحت تسلط خود درآورد و حال آنکه حکومت هندوستان نیز میخواست که سراسر ناحیه جنوبی ایران و سواحل خلیج فارس منطقه نفوذ انگلیس باشد و همین موضوع شدیدترین اختلاف نظر و تصادم را بین دو دولت ایجاد میکرد و بنابر همین دلیل مهم حکومت هند و تاکلف با مقررات قرارداد ۱۹۰۷ بود و آنرا بزیان انگلستان میدانست. اعضای این قرارداد با مخالفت شدید ایران مواجه گردید و ایرانیان آنرا برخلاف استقلال مملکت میدانستند ولی ایران در آن موقع استقلالی نداشت و نمیتوانست هم داشته باشد و اگر تهران پایتخت کشور در منطقه روس افتاد تصریح سرادوار گری نبود بلکه وضع جغرافیائی موجب این اشتمال بود چنانکه خود وزیر خارجه هم در جلسه ۱۰ زوئیه ۱۹۱۲ مجلس نمایندگان انگلیس اظهار داشت « من گاهی دچار تردید میشوم از اینکه آیا آن اشخاص که در این مجلس راجع به ایران صحبت میکنند واقعاً میدانند که تهران در کجا واقع است »

سرادوار گری اعضای این قرارداد را در هر حواله یک سیاست خوب و بنفع انگلیس میدانست چون میگفت هو چند امتیازات حریف در این قرارداد بیشتر است ولی از لحاظ استراتژیکی ماموقعت واقعی داشته ایم چنانکه در سپتامبر ۱۹۰۷ ینکی از دوستان خود نوشته بود « گمان میکنم تفسیرات روزنامه ها در باب قرارداد ما با روسیه زمینه و تصوراتی برای اظهار نظر شما فراهم می کنند جواب افراطیون که می گویند اصلاً لازم نبود قراردادی با روس امضا کنیم اینست که بدون تحصیل موافقی با روسها در آسیا تصادمات مایین ما و آنها رفته بیشتر و دیر باز و دنبه هر بعواقب بخیم

و شاید هم بروز جنگ و موجب هزینه های هنگفت نظامی میگردید شما ممکن است این نظریه را براین اصل هبته سازید که برای رفع موجبات دشمنی و تصادم بین ملل دادن امتحانات متقابل و موافقت و سازش کاملا با موازین آزادیخواهی تطبیق می نماید و غفلت و اهمال در رفع این کوهه موجبات باعث سوء تفاهمات دائمی بین ملل و منتهی به مذازعه و جنگ خواهد گردید ما بجای اعضای قرارداد دو کار دیگر ممکن بود بگنیم.

۱- از وضع فعلی ایران بایک سیاست مثبت و جدی بزیان روسیه استفاده کرده باشیم.

۲- ما کناره گیری نموده کذاشته باشیم همین عمل را روسیه نسبت بما کرده باشد.

افکار عمومی از رویه اولی طرفداری نمیکند در صورتیکه از تحمل نتایج دومی هم گریزان است خلاصه به انتقاد کنندگان باید گفت که بجای امضای قرارداد ناچار بودیم سیاست دامنه داری در پیش بگیریم و سواحل خلیج فارس و حدود سیستان و افغانستان را اشغال کنیم و برای دفاع این نقاط هم حاضر بجذب باشیم در صورتیکه با این سازش سیاسی ما شمال خلیج فارس و حدود سیستان را مصون ساخته ایم و این موضوع نیاز الحاظ سوق الجیشی برای مالحیت حیاتی دارد و روسیه هم برای تحصیل امتحانات در شهربال ایران از رقابت های ما آسوده شده است و اگر تهران هم در منطقه روسها افتاده تهییر وضع جغرافیائی است و انگهی تهران قبل از عقد قرار داد نیز در تحت نفوذ روس قرار داشت.

در ۱۹ زانویه ۱۹۱۲ میسیحی سر ادوارد گری ییکی از دوستان خود هینویسد از قرار معلوم روزنامه دیلی نیوزبمن حمله میکند که چرا قرارداد را امضاء کرده ایم ولی اگر آنها از وزارت من هم خلاص بشوند باز نمیتوانند مقصود خود را حاصل کنند چون عملی نخواهد بود و اگر ما در آسیا سیاستی را که آنها پیشنهاد میکنند تعقیب میگردیم لازم بود برای امنیت و حفظ حدود هند تدارکات نظامی فراوان فراهم سازیم و در آسیا دولت و همدمستی نداشته باشیم و چون آنها ما را از مداخله در امور

داخلی دیگران منع میکنند اگر این طور نیز عمل کرده بودیم باز روابط انگلستان با همه وضع نا مطلوبی پیدا میکرد ولی البته حداقل مداخله و همچنین حداقل دوستی موافقت نیز خیلی فیبان آور است.

کامبل باز من (۱) در تاریخ سوم سپتامبر ۱۹۰۷ بمناسبت امضای قرارداد ۱۹۰۷ تبریک نامه زیر را به سرادر ازگری نوشت: تبریکات صمیمانه را بواسطه امضای قرارداد باروس که یک کار بزرگی بوده اظهار میدارم این موافقتنامه لازم برای مدتی احتمال پیش آمد خطرات را در آسیا ازین برده و کارما را در اروپا آسان تر خواهد کرد و اگر این دوره آسودگی دیری هم نپاید باز از قدر و مقام شما که در تحصیل ایرن موافقتنامه مهارت و برداشی و با فشاری نموده اید چیزی نخواهد کاست.

قرارداد ۱۹۰۷ اول در انگلستان مخالفت سختی تولید نکرد ولی هنوز دیری از امضای آن نگذشته بود که در ایران مشکلات و اختلافاتی فيما بین روس و انگلیس پدید آمد و این اختلافات رفته رفته شدت یافت مبارزه بین مشروطه خواهان و مرتجمین در ایران روابط روس و انگلیس را مشکل ساخت و بهانه بدبست مخالفین دولت افتاد که بدون تأخیر مورد استفاده قراردادند.

قبل از امضای این قرارداد سیاست انگلیس مخالفت و مبارزه با سیاست روس بود در موقع جنگ کریمه و همچنین در کنگره برلن همین رویه را نسبت بآن دولت داشتند و در شرق دور هم بهمین ترتیب عمل کرده بودند ولی بعقیده سرادر ازگری این یک سیاست صحیحی نبود و در آسیا برای هندوستان تولید اشکال و خطر میکرد وقتیکه قرارداد ۱۹۰۷ در شرف امضاء بود نفوذ روسیه در شمال ایران پیشرفت داشته و شاه در تحت نفوذ روسها بود و مشروطه خواهان ایران با روسیه که حامی شاه مستبد بود مبارزه میکردند اگر انگلستان در این مبارزه به آزادی خواهان کمک میکرد بخلاف روح قرارداد میبود چون انگلیس در قرارداد مزبور نمود نموده بود که در از بین بردن نفوذ روس در شمال ایران اقدام نکند مگر آنکه آزاده برای جنگ باشد. وزیر خارجه انگلیس باز میکوبد و انگلیس بواسطه دوری تهران و دسترس نداشتن ما بوسایل لازم

نمیتوانستیم در آن هیازده کمک مؤنثی کرده باشیم البته اگر قرارداد روس و انگلیس هم وجود نداشت روسها برای حمایت از شاه ایران اقدامات عنیف تر و دخالتی بیشتری دو کار ایران میکردند و گمان نمیکنم انگلستان برای جلوگیری از آن میباشد با روشهای جنگ و جدال نماید و اگر چنین وضعی پیش میامد خیلی مورد تأسف بود و این مطالب را نیز باید اضافه کنم که اگر قرارداد مزبور را فراهم نکرده بودیم روسها در حدود هند برای ما زحماتی ایجاد میکردند و هرگاه این قرارداد را نیز لغو کنیم لازم خواهد شد تدارکات نظامی برای هرگونه احتمال خطر جنگ فراهم داشته باشیم و دیر یا زود نیز جنگی بین روشهای و انگلستان راجع به مسائل آسیاتی در خواهد گرفت.

در ۱۹۱۴ زاده و درگیری بسفیر جدید انگلستان در بطریزبورک ینویسد: در اینجا شکایت نسبت به طرز اجرا و تیجه قرارداد در باره ایران موجود است چون قرارداد ۱۹۰۷ بر اصل حفظ استقلال ایران امضاء شده و حالا روسها برای حمایت از شاه بشمال ایران قوا وارد کرده و کنسول های روس همواره در کارهای ایران مداخله میکنند و من از این جهت حیرتی ندارم چون قبل از قرارداد هم روسها در شمال ایران و در تهران نفوذ و تسلط داشتند ولی اشغال نظامی شمال ایران از طرف روسها و اینکه هیچگونه انر و علامتی جهت تخفیف این مداخلات دیده نمیشود و بعلاوه تجارت روس تجارت انگلستان را در شمال ایران ازین برد و بواسطه مشکلاتی که در راهها و جاده های جنوبی ایران هست تجارت ما بکلی فلوج مانده و ممکن است نفوذ باز رگانی روشهای جنوب ایران را که خارج از منطقه اوست فرا بگیرد و این اوضاع در اینجا باعث نگرانی شده و اگر بجا اینکه برای دولت ایران مشکلاتی ایجاد نمایند فقط در صدد باشند قوای قزاق ایرانی را مرتب کنند و قشون خود را از ایران بیرون ببرند و دستور بدینه کنسولهای آنها در کارهای مملکت دخالت ننمایند در این صورت امیدواری بیشتری برای تسکین افکار عمومی در اینجا و زمینه بهتری برای پیشرفت کار راه آهن سراسری ایران فراهم خواهد گردید.

از مطالب این فصل خوب استنباط می‌شود که موردّخ انگلیسی همی و افی شموده است سیاست وزیر خارجه انگلیس را در امضا‌ای قرارداد ۱۹۰۷ تأیید و این عمل اورا کاملاً مصاحت آمیز محسوب داشته باشد البته از پاک نویسنده انگلیسی دور از انتظار نیست که از این کار مهم سیاستمدار کشور خود دفاع نماید و لطمہ و ذیانی که در اثر این اقدام او به آزادی واستقلال یک‌ملت ضعیف وارد می‌یابد است ناچیز انگار در هر حل برای اینکه حقیقت موضوع بهتر روشن شود و قضاوت درباره این قضیه قاریعی آسان‌تر باشد جریان نسبت مشروح آن که حاوی نکات بسیار مهم است ذیلاً بسط و اجمال ذکر می‌شود.

سرا در اردیگری در سپتامبر ۱۹۰۵ در کاینه حزب آزادیخواهان انگلیس وزیر امور خارجه و جانشین او دلرسون شد و تا آنوقت وی شهرت چندانی در صمیمه سیاست انگلستان نداشت و از مدارج پایین در وزارت خارجه انگلیس باین مقام عالی رسید و همچو قوت هم به اموریت سیاسی در خارجه نبود و بنابر این در روز موز فن دیبلوماسی نیز استاد بشمار تعبیرفت ولی وی همواره از طرفداران جدی این نظریه بود که انگلستان برای انحراف از سیاست اتریوا نیازمند به تنکاری و موافقت با دولت روس است و حسنه پیشنهاد کرده بود بین دولتین بیمامی درباره مسائل آسیائی منعقد گردد و هنوز وزارت نر سیاده منتظر بود که امضا قرارداد با روس مکمل بیمان دوستی فرانسه و انگلیس و موجب حسن روابط بین دو کشور خواهد شد ویک دفعه نیز اظهار نظر کرده بود هر حکومتی در انگلستان با خوشوقتی خاضر خواهد شد که دست روس را در خاور میانه باز بگذارد بشرط آنکه این عمل منجر یک موافقت عمومی بین دولتین بشود.

کاینه لیبرال انگلستان از همان آغاز زمامداری تصمیم گرفت که با دولت روس کنار بیاید.

شکست روسیه در جنگ باز اپون که موجب کاهش نیروی روس و نیستی گارش در اروپا شده بود در انجام این منظور کاملاً مؤثر افتاد و این پیش آمد بزرگ جریان مذاکرات مربوط بر اراده را طوری تحت تأثیر قرارداد که درین مذاکره انگلیس

در واقع طرف قوی بشار میرفت و حرفش پیش بود دو هس مورت بهمان اندازه که محاکمه گیاران قبل از کنار آمدن با روس ساعی بودند آزادیخواهان نیز از همان شروع یکار همین مقصود خود را بروسا آشکار نمودند و در همین موقع سرچارز هاردینگ (۱) سفیر انگلیس در پطرزبورک که طرفدار سازس با روس بود بلند احضار و معاون وزارت خارجه انگلیس تعیین و در غیاب سفیر، سر اسپرینگ رایس منصبی کارهای سفارت پطرزبورک هد و از این تاریخ تا ورود سفیر جدید (سرارتورنیکلسن) کارمذاکرات از طرفی بمناسبت تشکیل کنفرانس مراکش و از طرف دیگر بواسطه احتمال انقلاب در داخله روسیه معوق ماند.

از اوائل سال ۱۹۰۷ بواسطه ورود سفیر کمیر جدید انگلیس به پطرزبورک وزیر خارجه شدن ایزولسکی که در انگلستان تحضیلات کرده و در ادبیات انگلیس دست داشته و متمایل بدوستی و موافقت با انگلیس بود راه پیشرفت سریع مذاکرات بین دولتین هموار گردید و در همین اوان بود که هقاله مهمی در روزنامه استاندار دلندن منتشر و اظهار نظر گردید که انگلیس و روس در باره مسائل متنازع فیه در ترکیه و ایران و افغانستان و تبت بزودی موافقت حاصل خواهند کرد و این خبر تأثیر شدیدی در محافل سیاسی اروپا و مخصوصاً در هیان سیاستمداران آلمان گرد و آنها در صدد تحقیق از صحت و ستم این موضوع بر آمدند وزیر خارجه روس به سفیر آلمان در پطرزبورک فن شون (۲) گفت که هر چند مطالب مقاله مزبور صحت ندارد اما برای تثیت وضع فعلی که روس و انگلیس در آسیا دارند مذاکراتی شروع شده است که ارتباطی با موضوع ترکیه و راه آهن بغداد و احتمال صدمه بمنافع آلمان ندارد.

در انگلستان در این موقع عده که سرارتورنیکلسن هم از آن جمله بود معتقد بودند کهین روس و آلمان روسیه برای دوستی انگلیس بیشتر قابل اعتماد و کمتر از آلمان در فکر جهانگیری بود رویه خشن آلمان در چنگ انگلیس و ترانسوا و سیاست مجددانه ایکه آلمان در خاور میانه و در ترکیه تعقیب میگرد و شدروی دولت آلمان

در بحران هراکش و توسعه سریع نیروی دریائی آلمان تماماً موجب نگرانی و باعث پیدایش این نظریه شده بود و در نتیجه مذاکره روس و انگلیس نیک جریان داشت تا اینکه موضوعی پیش آمد که در گندی جریان کار تأثیر عظیم کرد و آن پیش آمد این بود که در کنفرانس اتحادیه پارلمانی جهانی که در ماه ژوئیه ۱۹۰۶ در لندن تشکیل یافته بود سرهنگی کامبل بازرن نخست وزیر انگلیس در نطق افتتاحیه خود اشاره نامطلوبی در باره سیستم پارلمانی روس کرد که در دربار تزار و در افکار سیاستمداران روسیه سوء اثر عجیب نمود و گرمه بازار مذاکرات دوستانه دولت به سردی و یاس زمامداران روس تبدیل و بر اثر آن مذاکرات چندی تعطیل شد.

ولی بواسطه احتمال اقلاب در داخله روسیه از طرفی و تجدید پیمان مودت ژاپن و انگلستان از طرف دیگر که تهدیدی برای امنیت روسیه بود زمامداران روس را مجدداً متوجه و سرگرم کار مذاکره هربوت بقرارداد ساخت.

اولین موافقی که بین طرفین حاصل شد در باب تبت در اوایل سال ۱۹۰۶ بود. و تا فوریه ۱۹۰۷ بواسطه اختلافی که در قضیه قرضه بدولت ایران بین دولتین پیدا شد و همچنین بواسطه نگرانی طرفین از رنجش دولت آلمان کار مذاکرات راجع به ایران پیشرفتی حاصل نکرد در فوریه وزیر خارجه روس خبر مطلوبی بسفیر انگلیس داد مبنی بر اینکه ستادارش روسیه از تعقیب سخت گیری در باب بعضی تقاضات سوق العجیشی جنوب شرقی ایران منصرف شده و در عوض این گذشت نظامی لازم خواهد بود که انگلیس هم بعضی امتیازات سیاسی در شرق نزدیک بروزیه بدهد.

از اول تا ۱۴ فوریه هیئت وزیران روس منافع اتفاق دارد از روس و انگلیس راجع بایران را مورد رسیدگی و مذاکره قرار داد و ایزو لسکی به مکاران خود اعلام داشت که باید تصمیمی نسبت به پیشنهاد انگلیس درخصوص تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ اتخاذ گند و اشاره کرد که چنین پیشنهادی تا چندی قبل ابتدا جالب توجه نبود زیرا همه معتقد بودند که دیر یا زود تمام ایران تحت سلطه روس قرار میگرفت و لی دیگر موجباتی که باعث ایجاد آن نظریه شده بود ازین رفتہ است.

هیئت وزیران روسیه پیشنهاد کردند که در دو منطقه طرفین هیچگونه امتیازی

باتابع دولت ثالث داده نشود و اینگونه امتیازات خواه اقتصادی یا سیاسی در ضمن عهدنامه تصریح شده باشد و راجع به ایالت سیستان ستاد ارتش روس نمیخواست که چنین معتبر مناسب سرزمین هندوستان نفوذ انگلیس در آید و حال آنکه بخوبی آشکار بود که در آن گیرو دار انصار اندکستان از تسلط بر این ایالت امکان نداشت روسها میخواستند که در مقابل چنین گذشت گرانبهای مزایای متقابلی از بریتانیا بگیرند.

هیئت وزیران روس بعد از مطالعات طولانی بالاخره باین نتیجه رسید که تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ بهترین راه حل جهت تأمین سازش سیاسی با انگلیس بود و در میان اکرات بعدی روسها مکرر به انگلیسها خاطر نشان کردند که متقابلاً امتیازاتی در قسمت گنجه های دار ادال خواستارند و انگلیس در این مورد تمام را بوعده گذراند چون مایل نبود در قرارداد هیچ گونه اشاره نسبت باین قضیه شده باشد و به عندرانکه چنین عملی سوء ظن آلمانها را تقویت خواهد کرد پیشنهاد کردند که موضوع گنجه ها با آینده موکول شود و روسها بالاخره با این پیشنهاد موافقت نمودند که موجب خوشوقی زیاد وزارت خارجه انگلیس شد.

در همین ایام بود که گزارش مخالفت آمیز سراسری را ایس از سفارت تهران بوزارت خارجه انگلستان رسید مبنی بر اینکه چرا عقیده اورا در باب این قرارداد استفسار نکرده بودند و صریحاً در این گزارش اظهار نمود که انتشار چنین گزاردادی چه تأثیر ناگوار در افکار عمومی ایرانیان میکرد ولی وزارت خارجه انگلیس چنانکه دیدیم توجیهی به نظریات این وزیر مختار خود نداشت و هنوز پاسخ وزارت خارجه بوزیر مختار انگلیس در تهران نرسیده بود که کار اصلی قرار داد ۱۹۰۷ تقریباً بیان یافت.

در ماه آوریل ۱۹۰۷ طرفین خیال کرده بودند که درباره ایران از هر جهت موافقت حاصل شده که ناگهان انگلیس مطلب تازه پیش آورده یعنی تقاضا کرد حدش رقی منطقه روس در نقطه ذو القرار قرار گیرد و بدین وسیله از ارتباط روس با مرز افغانستان حتی الامکان احتراز شده باشد و چون روسها تصمیم نهایی بسازش با انگلیس گرفته

بودند وهم از لحاظ داخلی و با بدليل سیاست خارجی مصلحت کار را در این دانسته بودند
با پیشنهاد مزبور موافقت نمودند و حال آنکه جداً با پیشنهاد مربوط به گنجاندن جمله
(با حفظ وضع موجود در خلیج فارس) بطوریکه ذکر شد جداً مخالفت کردند.

دولتین اول راجع به تبت و بعد درباره ایران و در مرحله آخر راجع به افغانستان
موافقت حاصل نمودند در مورد افغانستان اختلافاتی در مراحل آخرین مذاکرات پیش
آمد که باعث شد سفیر انگلیس در پطرز بورک مسافرتی به لندن بنماید در نیمه اوت
۱۹۰۷ سوار تور نیکلسن از سفر لندن برگشت و پیشنهاد جدیدی راجع با افغانستان همراه
آورد بدون آنکه در این باره وزارت خارجه انگلیس نظر حکومت هند را استفسار و مراعات
کرده باشد چون بعید نبود که حکومت هندوستان بلطف گیریهای وزارت خارجه در
مورد افغانستان مخالفت کند.

اشکال دیگری که باز پیش آمد مربوط بصورت این موافقت نامه ها بود اند گلیسها
میل داشتند سازش طریقین بشکل یک قرارداد در آید وحال آنکه روسها پیشتر مایل
بودند که فقط موافقت نامه باعضا بر سر و با بصور اعلامیه وربای مسائل موافقت شده
اکتفا بشود بالاخره نظر انگلیس پیشرفت کرد و قرارداد امضاء کردند.

آخرین طرح سه قرارداد در جلسه ۲۴ اوت ۱۹۰۷ هیئت وزیران روس که
تا صبح طول کشید مورد رسیدگی قرار گرفت در این جلسه مخالفت های جدید نسبت
به بعضی از مواد قرارداد ابراز و وضع بسیار دشواری ایجاد شد اشکال کار مجدد و آ در
مورد افغانستان بود و ایزو لسکی در این جلسه به اقلیت انتاد و سفیر انگلیس گزارش
تلگرافی یاس آمیزی در ۲۵ اوت به لندن فرستاد. سر اداره اداره کری از پیش آمد آن اشکال
ناگهانی دچار نگرانی شد و سفیر خود دستور داد که بوزیر خارجه روس بگوید که
دولت انگلیس با هیچگونه امتیاز تازه نمیتواند موافقت کند و اگر کار قرارداد در قسمت
مربوط به افغانستان دچار شکست شود در واقع اسان تمام موافقت های طرفین خراب
خواهد شد و امیدواریهای که بواسطه این موافقت اساسی برای دولتین پیدا شده بود
ازین خواهد درفت و خطر و فیضان در سایر نقاط جهان دامنگیر هر دو کشور
خواهد گردید.

بعد از این تهدید و اخطار ظاهرآ وزیر خارجه روس فعالیت بسیار در رفع مشکلات نمود چون هیئت وزیران روسیه در جلسه ۲۸ اوت ۱۹۰۷ طرح قرار داد را تصویب کرد و سه روز بعد هم قرارداد امضاء شد.

با وجود امضای قرارداد ۱۹۰۷ باز تا جنگ بین‌المللی اول سیاست روس در ایران قوی‌تر نفوذ آن دولت در تهران بیشتر بود و تجارت تقریباً تمام شمال ایران عمالدار دست روسها بود و بسیاری از مامورین سیاسی انگلیس در ایران آمیدی نداشتند که نفوذ فوق العاده روس در قسمت شمالی ایران دوباره نقصان یابد و حتی میینداشتند که آن حدود از حوزه نفوذ سایر کشورها بکلی خارج شده بود و این نظریه یا سآمیزرا اولین دفعه سر سپرینکرایس بدولت خود گزارش داد البته یک دلیل عمدی این پیشرفت روسی در ایران نفوذ غیرقابل انکار او در دربار و در پادشاهان کشور ما مخصوصاً در زمان محمدعلی‌شاه بود و کار استیلای روسیه بعالی‌ریشه بود که دیگر مامورین بریتانیا اقدام مجددانه‌ای در باره امور شمال کشور نمیکردند و اگر هم گاهی در این مورد توجه و اقدامی مینمودند بیشتر بمنظور جلوگیری از انهدام استقلال ایران و در واقع بین وسیله تامین منافع سیاسی و اقتصادی خودشان در جنوب بود:

دولت روسی برای پیشرفت نظر امپریالیست خود حتی امکان اعتبارات مالی کافی در اختیار نمایندگان سیاسی خود میگذاشت و غالباً از دادن قرضه بشاه ایران ماضیقه نداشت این پولها را هم شاه و درباریان او زود خرج و تمام میکردند و باز دست احتیاج زمامداران پر طمع این مملکت بطرف امپراطور روس دراز میشد و بهمین علت مهم مالی قدرت روس در تهران و نفوذش در دربار ایران بقدری زیاد شد که خالی از خطر عاجل نبود.

تأثیرات انتشار متن قرارداد ۱۹۰۷

اگر امضای چنین قرارداد مهمی سروصدای زیادتر خارجه تولید نکرد و چنانکه در خور اهمیت آن بود موجب انتقاد و اعتراض شدید در سایر کشور ها نشد بعیده یکی از نویسندگان معاصر (۱) این بود که اول امناًع بازگانی کشورهای دیگر در ایران چندان مهم بسیار نمیرفت و از لحاظ نظامی هم کشور ما فقط برای روس و انگلیس که طرفین معاهده بودند اهمیت جانی داشت و از طرف دیگر چون بواسطه ییحالی پادشاهان و اهالی و خود پرستی سیاستمداران بی نظمی و هرج و مرج در این کشور به حدی رسیده بود که احتمال خطر نسبت به جان و هال اروپاییان در میان بود از این رو در بعضی از کشورهای خارجی حضور نیروی اجنبی را در ایران و سیله تامین مطلوب محسوب میداشتند.

باری خبر مهم امضای قرارداد بزودی فاش شد. در چند ماه پیش از وقوع این قضیه تاریخی در اکثر کشور ها هر روز انتظار انتشار این معاهده را داشتند و با آنکه حدسیات فراوانی درباره مواد آن در مطبوعات منتشر شده بود بعداز اعلام رسمی متن قرارداد معلوم شد که تصویرات مختلف با حقیقت موضوع چندان تطبیق نمیکرد. اصولاً انگلیسها در آشکار ساختن مطالب قرارداد زیاد عجله نداشتند و میخواستند قبل از اینکه متن آن منتشر گردد بدست مقامات دولتی بریتانیا در هند و ایران و افغانستان و چین برسد و بعضی دول ذینفع دیگر نیز قبل اطلاع حاصل گرده باشند.

بنابراین در اول سپتامبر ۱۹۰۷ یک روز بعداز امضای قرارداد فقط اعلامیه راجع به امضای آن صادر شد. اما چون جرائد روسیه آیزولسکی را بمناسبت بی اطلاعی از تفصیل قرارداد مورد تهمت و اعتراض قرار داده بودند دولت روس به انگلیس پیشنهاد کرد که مطالب عمده آن در روزنامه محفظه کار روس نوویه ورمیا (۲) انتشار یابد. نسخه های تصویب شده قرارداد در تاریخ ۱۳ سپتامبر در پطرزبورگ

بین نمایندگان طرفین مبادله و در ۲۶ سپتامبر متن آن رسماً منتشر شد.
بعد از اعضاء شدن قرارداد وزیر خارجه روس بی درنک برای استراحت
به مارین باد (۱) اتریش رفت و در آنجا بحضور پادشاه انگلیس وسید و بسفیر
بریتانیا دروین که ملتزم رکاب بود درباب قرارداد اظهار داشت که چندین دفعه بکلی
از حصول موافقت مایوس شد و از فشار و اقدامات حکومت آلمان سخت در عذاب بود
و از همکلخودار تورنیکلسون تمجید و ضمناً تایید کرد که امکان نداشت از او بهتر
سیاستمداری برای انجام آن ماموریت انتخاب شده باشد. وزیر خارجه روس بعلاوه
میگفت که در پطرز بورگ همه مرجعین و سران نظامی مخالف با این قرارداد بودند.

در همین موقع که پیامهای تبریک بین رجال سیاسی دوکشور بواسطه این
موفلیست بزرگ مبادله میشد و سرا دواردگری و نیکلسن وایزولسکی از هر جهت مورد
ستایش و تمجید بودند گزارش یاس آمیز سرسپرینک رایس از تهران بوزیر خارجه
انگلیس وسید در ضمن تبریک برگیس خود اطلاع داد که «گرفتاریهای او در تهران
تازه شروع شده است چون ایرانیان بعداز اعضای قرارداد دیگر آن اعتقاد و اعتماد
سابق را نسبت به انگلیس ندارند و معتقدند که انگلیس ایران را بروز فروخته و به
سیاست او تسليم شده است».

سرسپرینک رایس قبل از سفارت تهران کاردار سفارت کبرای انگلیس در
پطرزبورگ بود و بعد از عزیمت سرجارلزهاردنیک سفیر سابق در سال ۱۹۰۵ و تا آمدن
سرار تورنیکلسون سفیر کمیر جدید به پطرز بورگ وی متصدی امور این سفارت شد و در
دوره نصی و کار مذاکره موافقت سیاسی روس و انگلیس بکلی راکد ماند
سرسپرینک رایس از پطرزبورگ به تهران آمد و حضور چنین وزیر مختار با انصاف که
شخصاً با موافقت روس و انگلیس مخالفت داشت در این موقع در تهران واقعاً
تصادف غریبی بود وی تاروز سپتامبر هم از اعضاء شدن قرارداد خبری نداشت
و قبیکه موضوع را از او پرسیدند جواب داد در هر حال صحبت تقسیم ایران در

میان نخواهد بود ۴

سر اسپرینتلر را ایس که قبل از اعضا شی قرارداد چندین دفعه ضرر و خطر ایز عمل را بدولت خود نخاطر نشاند تکرده بود بعد از اعضا شی آنست نیز چندین گزهارش بوزارت خارجه آنگلیس خواسته و تائید نمود که پیش گفته هیچی او صحبت نداشته و از سجهات دیگر نم اخطارهای او تاکید گردد و است چون سجر آزاد ایران و مخصوصاً روزنایه عجیل المتنین چهار کلکته در این ماجرا فقط آنگلیس را هدف اعتراض و دشام قراردادند و پندرت اسم روس را ذکر نمیگردند.

در هر حال از آن پس بریتانیا حامی ایران بشمار نمیرفت بلکه تمام تشریعات موجه این دولت شد زیرا ایرانها از روس چشم باری نداشتند و چیزی قوت خیال تکرده بودند دولت ایرانی بسلامت و سعادت و استقلال ایران علاقه مند باشد ولی بسیاری از ایرانها در باره آنگلیس بینطور خنک نمیگردند رسرا از او متوجه گمک و حنایت بودند مثلاً بخنک نمیگفت (آزادی خواه) بریتانیا بوسیله سفارش بارون آزادی و استقلال ایران را در همه من بدانترین خطرها تقریباً میداند.

درینکی از گزارشهاي خود سر اسپرینک را ایس بدولت خود خبر داد که چند تن از ایرانیان با او گفته بودند اگر آنگلیس و روس با همکاری ایران سایر دولت‌ها هم دعوت نمیگردند که متفقاً تمامیت اراضی و استقلال ایران را تضمین نمایند. مخالفت با این قرارداد بمناتب کمتر نمی‌بود و آنها بیشتر میتوانستند بجهش نمیت. دولت آنگلیس هدف بسته باشند ...

مردم ایران میخواستند قانون یعنی الملل ضامن سرنوشت مملکت باشد نه آنکه اراده دو دولت مقتدر بر آنها حکومت بکند ظاهراً وزیر مختار روس نیز این پیشنهاد مخالفتی نداشت ولی درگوش سنگین سرادوار دگری این حزفها تأییری نمیگرد و نتیجه آن ظلم و ضعیف گشی دولت آنگلیس در افسکار ایرانیات این شد که همینکه چند سال بعد جنگ یعنی الملل اتفاق افتاد علاقه و تمامیل تمام ایرانی ها علناً بجانب آلمان بود.

روس و انگلیس در مدت مذاکره همواره متوجه رویه دولت آلمان و از اقدامات احتمالی این دولت نگران بودند البته حکومت آلمان از جریان و موضوع مذاکرات اطلاع داشت چون دنیلماهای انگلیس و مخصوصاً خود ایزو لسکی علاقه مند بودند که موجبات تقویت سوء ظن آلمانها فراهم نشده باشد و بنایند گان آلمان اطلاع و اطمینان میدادند که در گونه قراردادی که بین روس و انگلیس اعضا شود بیچوچه موادی که هضر بحال آلمان باشد و خود نخواهد داشت این وعده ها را هم انصافاً در قرارداد ۱۹۰۷ مراجعت کردند ولی آلمانها نیز متوجه مقاصد طرفین بودند و میدانستند اگر چه قرارداد مزبور عنوان تسویه اختلافات دولتين در مسائل آسیائی بسته شد اما در واقع منظور اساسی از امتنای آن تحکیم و تقویت روابط سیاسی طرفین جهت مقاصد اروپائی آنها بود . ضمناً باید اعتراف کرد که طرفین مذاکرات را به دری ماهرانه انجام داده و مواد قرارداد را چنان تلقیق کرده بودند که هیچیک از دول و حتی حکومت آلمان هم تتوالست با آن ایرادی بگیرد .

پیش از آنکه متن قرارداد ۱۹۰۷ در روسیه منتشر گردد ایزو لسکی از اعتراض و انتقاد مخالفین سخت امیشه ناک بود و هر چند در آن موقع در روسیه افکار عمومی بخوبی گه در سایر کشورهای اروپائی وجود داشت منصور نبود ولی گروهی از مترجمین و سران لشکری بیچوچه با آن آگدام دولت موافقت نداشتند . ولی برخلاف انتظار ملوفان اعتراض از طرف مخالفین بر نخاست بلکه مطبوعات روس بالحن ملایم و مساعد در بازه قرارداد قلمرو سایی گردند .

موراویو سفیر روس در رم بعد از دیدن متن قرارداد اظهار نظر نمود که تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ بر خلاف سیاست دائمی روسیه و کاری بکلی می حاصل بود و گفت ویته (۱) سیاستمدار روس از این قرارداد انتقاد نموده و گفته بود هر چند این بحاجی سیاست معاشقه با آلمان حالاً با انگلیس مشغول معاشقه شده و معتقد بود که قرارداد برای زوشن اهمیت خاصی نداشته و از این پیشتر منوط با اتفاقات

آینده بوده است.

واعچ به قرارداد ۱۹۰۷ در جلسه ۲۷ فوریه ۱۹۰۸ دومای امپراطوری صحبت شد و در این جلسه ایزوولسکی اظهارات مفصلی در خصوص سیاست خارجی خود نمود و انعقاد قرارداد را یک کاربر جسته بشمار آورد و تاکید کرد که امضای این معاهده و همچنین امضای موافقت نامه تا استان ۱۹۰۷ روس و ژاپون وسیله تأمین یقای صلح عمومی خواهد شد ولی بعد از آن مورد دیگر در باب این قرارداد در مجلس دوماً مذاکره بیان نیامد.

موضوع قرارداد مزبور در جلسه ۱۷ فوریه ۱۹۰۸ مجلس مبعوثان انگلیس مطرح و مذاکره و مشاجره شدید بین دولت و نمایندگان حزب مخالف واقع شده مجلس لردها هم قبلاً در این باب بحث کرده بود.

در جلسه ۶ فوریه ۱۹۰۸ مجلس اعیان لرد کرزن در نطق مفصلی که بیش از پیکایت بطول انجامید به سیاست موافقت روس و انگلیس اعتراض کرد. مخالفین دولت غالباً کسانی بودند که سفری با ایران آمده بودند و بدین جهت در کار مخالفت مقام و دلیلی برای خود قائل بودند و بنابراین از ایران بیچاره ظاهراً حمایت می نمودند.

باری جلسه مذاکرات مجلس لردها درباره قرارداد ۱۹۰۷ خیلی طولانی شد و لرد کرو (۱) نماینده دولت بشدت از قرارداد دفاع و اظهار کرد تجارت روس بنایه هر کزی ایران رفته رفته کاملاً نفوذ می کرد و امکان نداشت بی وجود قرارداد از پیشرفت آن جلوگیری کرد و رو سها حتی بخوب ایران هم نفوذ می کرددند. او گفت لرد کرزن از پیشرفت فعلی نفوذ روسیه در ایران اطلاع ندارد و اوضاع ایران در موقع امضای قرارداد با ایرانی که لرد کرزن دیده بود خیلی تفاوت دارد. بعلاوه ممکن نبود دولت انگلیس بتواند منطقه روس را محبوب تر کرده باشد و تقاضی هایند یزدهم از زش آن را ندارد که حضرت لرد درباره اش اشک حسرت بریزند. در طی این مذاکرات مجلس اعیان کسی بالردد کرزن هم آهنگی و مساعدت نکرد و موقعیکه نماینده دولت مشغول دفاع از قرارداد بود کرزن چند بار کلام اورا قطع و اعتراض کرد ولی موجب ریختند از

طرف سایرین شد و کرزن ناچار سکوت اختیار نمود زیرا به انتقاد اتش ترتیب الری نداده بودند ولی با آنکه مجلس اعیان با وجود اصرار کرزن قرارداد ۱۹۰۷ را کاشف لم یکن نکرد این پیش آمد اثر بر جسته دیگری داشت و آن بازگشت لرد کرزن بزندگانی سیاسی بود.

حال باید دید که از دولتین کدام یک واقعاً از قرارداد ۱۹۰۷ راجع با ایران نصیب بهتری بر گرفتند. در همان موقع انقاد این قرارداد نظر عمومی تقریباً این بود که سهم عالیتر نصیب روس شد در صورتی که قاعدة باید اینطور شده باشد چون روس در جنک با زاپون شکست خورده وضعیف شده بود و بعلاوه بیم انقلاب داخلی روسیه در پیش بود فیضان بر این آن قدرت و غرور سابق را دولت تزاری نداشت پس چنگونه توانست سهم بیشتر ویشتری از قرارداد دریافت کرده باشد.

ظاهراً علت این استنبط عمومی این بود که در موقع انتشار متن قرارداد نویسنده کان سیاسی انگلیس شرط اختیاط و نزدیکت را رعایت نموده تفاخر و تظاهری که موجب تحریک رقیب شده باشد ننموده بودند و بله بلکه ادعای غبن نیز در بعض نوشته های آنها مشهود بود. و همین رویه موجب اشتباہ دیگران و سبب شده بود که آیندگان گمان کنند که قرارداد پیشتر بنفع روس شد بعلاوه مساحت منطقه نفوذ انگلیس در جنوب از مال روس در شمال خیلی کمتر و هیچ از لحاظ اقتصادی جالب توجه نبود ولی در برای این قضاوت ظاهری انگلیسها معتقد بودند که اگر بوسیله قرارداد منطقه روس را با وجود آن رسمت زیاد محدود نمیکردند بعید نبود که دیر یا زود نفوذ روسیه نقاط دیگری را در ایران فرا بگیرد و بعلاوه روس رسماً تعهد کرده بود بنایه بیطرف و منطقه انگلیس نجاوزی نکند.

درباره سرنوشت جنوب ایران پیش از سایر مسائل بین طرفین موافقت حاصل شد چون علاقه تمام انگلیس باین قسمت بود و بنظر لرد کیچنر (۱) فرمانده کل قوای هند اقدامات دفاعی در سیستان و بلوچستان و کرمان امنیت هند را تضمین

میکرد و در جنای افغانستان ایران نیز وسیله دفاعی مستحکم ده براهم توپایم روشن میشد.

مطلوب هم اینست که بالاعضای قرارداد ۱۹۰۷ کمترین امتیازی در خلیج قاوی نصیب روس نشدو این بزرگترین موقعیت سیاسی انگلیس بود. کشتهای تجارت روس که از شادر دریای سیاه به خلیج فارس رفت و آمدیکردن هم مجبور بودند راه دوری پیمایند و متحمل ضرر بشوند وهم اینکه درین عبور مرور از تنگه هلی دارداش آزادی عمل کامل نداشند و برای رفع این ضرر و اشکال بهترین راه حل این بود که روسها بندری در گنار خلیج فارس داشته باشند.

علاوه راه دریای شمال نیز برای تجارت روس در تمام مدت سال باز نبود و بحر اسود هم که دریای مید و مجنوب میباشد چون تیکه ها در تجارت خلیج سایر دولت بودند و بهین لحظه چندین دفعه چه از طرف لرد نلسون و همچو وسیله سر ادوارڈ گری بروسها و عده داده شده بود که موضوع بندرهای خلیج فارس و امور و توجه قرار گشته باشد و بالآخر هم انگلیس این خواهش بزرگ را از روس دوینگ کرد و تعجب دوایست که دو شاه نیز موضوع را تعقیب نگردن و سرانجام تمام حدود خلیج فارس عملاً بتوعد انگلیس و اگذار شد بلکه بواسطه یادداشت جداگانه که روس امضاء و به انگلیس شلیم گرد حق اختصاصی بریتانیا را در خلیج فارس شناخت و بدین ترتیب وضع انگلستان در خلیج بدون آنکه امتیاز متقابلی بروس داده شده باشد بمراتب بهتر و مستحکمتر گردید

مستر بالفور (۱) که بعد از خست وزیر انگلیس شد در موقع اعضای قرارداد به بحر حزب مخالف (میزانقه کار) و معتقد بود که در قرارداد بدل و بخشش زیاد بروند شده بود بلیز انتقاد سر ادوارڈ گری بدون کمترین توجه به حال کشورها جوانیداد:

« روی کاغذ استفاده ظرفین متساوی است ولی در واقع ماجیزی از دست نداده‌ایم ها از ایران دنیا سیاست تجاوز نبودیم و پیش‌رفت انگلیس در ایران برای روس همان قدر مهم نبود تا پیش‌روی روس در ایران از لحاظ امنیت هند اهمیت داشت و جای تعجب نیست که وزیر خارجه روسیه جهت اقناع سران لشکری کشور خود برای انصراف از بعضی نقاطی که در نظر آنها بسیار کرانیها بود آن همه بزحمت افتاد و حال آنکه آنچه مازدست دادیم برای ها اهمیتی و بلکه اصلاً ارزشی نداشت »

در هر صورت دیری نگذشت که روسها در ایران میدان را بر انگلیس تنک و کار او را بکلی لشکر کردند چنان‌که سر ادوارد گری در این بیان صریح‌آ اعتراض می‌کند:

« قنهیه ایران بیش از هر موضوعی کاسه حبر را لبریز کرد و به بنکن دورف (۱) گفت اگر روسیه باز مشکلات سیاسی‌ها را پیشتر کند موافقت سیاسی با او شاید غیر مقدور خواهد بود »

خلاصه اینکه در اوایل این قرن دو جنگ مهم یکی در آسیا و دیگری در اروپا اتفاق افتاد که تأثیر عظیم در سرنوشت بسیاری از کشورهای آسیا و از جمله مملکت هاداشت اگر در سال ۱۹۰۵ در جنگ روسیه و ژاپون روس شکست نمی‌خورد و بر اثر آن ضعیف نشده بود و یا خدای نخواسته دولت تزاری در این جنگ فتح می‌کرد احتمال قوی در میان بود که استقلال ایران دچار خطر بشود و روس برای دسترسی به ریای جنوب که پیوسته مقصود او بود کشور را اشغال نماید نتیجه آن جنگ هر چند خطر تصرف ایران را بوسیله قوای روس مرتفع ساخت پدربختانه خطر دیگری را دامنگیر کشورها کرد و آن رضایت و تسليم روس بسیاست انگلیس دوباره تعیین منطقه نفوذ در ایران بود .

(۵۶)

بحمدالله روسیه بزودی در گیرودار چنگ دیگری در اروپا گرفتار شد و در سال ۱۹۱۷ باز شکست خورد و از این شکست او شجاع ایران حاصل آمد و بواسطه ظهور انقلاب در روسیه عملان تمام قراردادهای طالب‌ماندروں ها ایران و از آنجه مهقر اراده شوم ۱۹۰۷ نیز خوشبختانه باطل و نابود شد .



طبقه مطبوعات ازو پانی

دار باره قرارداد ۱۹۰۷

در باب قرارداد روس و انگلیس راجع به تعیین منطقه نفوذ دولتین در ایران چنانکه یکی از رجال ایران در همان موقع اظهار داشته بود مطبوعات دو کشور مزبور ییکدیگر تبریک و تهنیت کفته و نوشته بودند که بهتر از این لقمه خداداد هیچ وقت به گلوی هیچیک از دول سر ازیر نشده بوده است دولتین سر زمین ایران را بدون اینکه صدا از کسی بیرون آمده باشد در نهایت آسانی و بدون جنگ و جدال فیما بین خود تقسیم کردند روزنامه روسی « نویه و دمیا » چاپ پطرزبورخ نوشته بودتا بحال در تاریخ سابقه ندارد که یک مملکت آزادی را مانند ایران دو دولت بین خود تقسیم نموده باشند و امروز این موضوع واقعیت پیدا کرده است.

همین روزنامه در شماره ۲۷ دسامبر ۱۹۰۷ شرح خشم آمیزی نوشته م Shr بر اینکه بصداقت و دوستی روس شک میرند و دیپلماسی انگلیس فقط در صدد بوده است که خاطر نشان نمایند نه هشروطه طلبان و نه مستبدین ایران باید منتظر باشند که انگلیس و روس طرف یکی از آنها را بگیرد بعضی ها در ایران بروسیه امیدوار بودند لکن بواسطه اظهاراتیکه روس و انگلیس بالاتفاق بشاه نمودند این امیدها از میان رفته و اظهارات نیم رسمی که از طرف دولت انگلیس شده این امیدرا بکار ازین بوده است. روزنامه مزبور باز مقاله ای تحت عنوان « بریتانیای کبیرو آلمان » نوشته و گفته بود : قرارداد ۱۹۰۷ ممکن است هم موجب صلح باشد هم باعث جنگ و کدام یک خواهد بود بسته برویه سایر دول و خود ماست زیرا بواسطه دوستی بالانگلیس مادری را که تا بحال با او دشمن بودند با خود مخالف میکنیم و دولت را که با او دوست بودند با خود دوست مینماییم.

روزنامه « روس » نوشته بود این قرارداد معاهده ایکه شامل معاملات باشد نیست و در وبدل تعارفات است که مقدمه بسط روابط خواهد است در آینده روسیه از

دسترسی پدریای هند قطعاً صرف نظر نموده و آیا جهت ندارد که شخص منتظر باشد در قرارداد آینده که با انگلیس بسته خواهد شد این فدایکاری که از طرف روس شده است در شرق تزدیک جبران شود. روزنامه «تواریش» که از روزنامه های رادیکال روسیه بود نوشتند: شاید روس راضی باشد از اینکه ضرر باین مختصری باور نمی داشته است پنج سال قبل که دولت روسیه خیال تصرف هندوستان را داشت و یا حاضر بود اولین وسیله مناسیب بست آورده انگلیس را تهدید نماید چنین قراردادی را امضاء نمی کرد.

روزنامه «بورس گازت» نوشتند بود شکل این قرارداد بی سابقه است و جای تعجب نخواهد بود هر کام ایران که بدون اطلاع اولینکارشده است اظهار عدم رضایت بنماید خطر عمدی بواسطه اینست که در اروپا دولت نالی هست که در واقع معین ممکن است هتمایل شود که سوء ظن ایران را زیاد کند دیپلماسی روس و انگلیس باید سعی نماید که بوسیله اقدامات و نه فقط بالاظمارات ایران را مطمئن سازد از اینکه طرفین مقاصد شوم ندارند و در خیال تزویز بر ضد استقلال و تمامیت ایران نیستند.

روزنامه «کلن گازت» آلمانی در باب قرارداد روس و انگلیس نوشتند بود که انگلیس و روس البته میتوانند مابین خودشان هر قراری که میخواهند بدهند ولی قرارداد نمیتواند سایر ممالک را از ایران مستقل بر کنار دارد دولتین میگویند که ایران باید برای تجارت همه مملک مفتوح باشد منظور سیاست ما در ایران فقط اقتصادی است و برای بیشتر فت تجارت و صنایع خود ما هم در آن میدان آزادی میخواهیم حال که روس و انگلیس برای خود منطقه منافع و نفوذ تعیین نموده اند سایر مملک هم آزاد خواهند بود دیگر بسته به قابلیت ولایت خودمان است.

مرحوم پرسود ادوارد برون که همواره از راه نطق و بیان و بوسیله نوشنده های پر احساسات خود از ایران و ایرانیان حمایت میکرد درباره قرارداد روس و انگلیس راجع به ایران انتقاد سختی در «آللبانی رویو» نوشتند و گفتند بود که ایرانیان انگلستان را حامی آزادی میشمرند و بسبب این قرارداد حالا از آن عقیده برگشته اند بجهت اینکه انگلیس بهترین نفاط ایران را بتفوذه روس و اگذشت که بالآخره استبداد روس در آنجا رواج خواهد یافت و از این اقدام دولت انگلیس به خود او هم از قصد انگلستان سوء

ظن های دست داده بود . روزنامه مزبور نوشه بود ما هیچ وقت طرفدار این قرارداد نبودیم و هر چه در این قرار زیادتر تأثیر بسیار بود روسیه ظاهر می شود چنانکه عقیده ایراد ~~کنندگان~~ نیز بر همین است و قید حفظ استقلال و تمامیت ایران را هم که در مقدمه قرارداد ذکر شده حیله و تزویر می شمارند زیرا که در خود قرارداد در واقع ایران تقسیم شده بس در اینصورت این سوال پیش می آید که به چه منطق انگلیس چنین قراردادی را با روس بسته اگر مقصود انگلیس استقرار نفوذ خود در حدود بین کرمان و بلوچستان بود که بدون این قرارداد هم با اندک توجهی از قبیل اعانت تجارت یا تعمیر راهها همان منظور ممکن بود حاصل کردد و اگر کفته شود که روس نهایت نفوذ را در شبه ایلان ایران داشت لذا قابل درجه خالفت با روس در شمال نبود جواب میگوییم راست است ولی این موافق عقل بود که مابتمام شرق اعلان کنیم که بازی را در شمال ایران با ختیم و روس خود را بدینا غالب نشان بدهد و این قرارداد لطمه را که بنام روس در ایران بعد از جنگ با ژاپون وارد شده بود جبران کرد و در عوض نام انگلیس پست شد فصول راجع به افغانستان و تبّت نیز حال همین فصل مربوط به ایران را دارد و هیچ تعقی از آنها عاید انگلستان نخواهد شد پس با این اوضاع چرا دولت انگلیس چنین قراردادی را بسته است ..

روزنامه « مرنیشک پست » چاپ لندن نوشه بود تایید در نظر و خیال دولت انگلیس مسئله دیگری هست که مهم تراز منافع در ایران و وضع آزادی خواهان باشد و همچو استیباط می شود که قصد عمدۀ کنونی ما خلاصی از منازعه در سرحدات با روس است اگرچه با ضرر زیاد هم باشد تا در مشکلات مهمتر با آسودگی لازم رسیدگی و معامله بشود لهذا کار عاقلانه بود که رفع هرگونه اختلاف باروسیه شده باشد بلی اگر فقط مسئله آسیا را ملاحظه کنیم این ایرادات صحیح بنظر میاید اما همینکه مسائل بین دولت مخصوصاً دو سه ماه را در بهتر فته ملاحظه نماییم میبینیم که این ایرادات چندان مورد ندارد چنانکه از بستان این قرارداد روابط انگلیس با آلمان تغییر یافته و بهتر شده و آن وضع دو سه ماه قبل ازین رفتۀ است .

مجله ماهیانه « برو و آرو » از اهمال کاری انگلیس در خلیج فارس شکایت نموده

و عرض شده بود که قرارداد اورین و انگلیش به تمام آسیا معلوم نمود که انگلستان دیگر اضطراری در ایران ندارد و یعنی راسته از نفوذ انگلستان کاسته شد سرا اوراد گری و اینسته افتخار ایشان بین المللی بجهود باین کار شد ولی این از بی همتی خودمان است نه تفضیر دیلماس او . روس از طرف بحر خزر پیشرفت نموده زیرا که اساس محاکمی برای تجارت خود گذازده است ولی ما نتوانسته این مقام خود را در طرف هندوستان حفظ نماییم هنگر فقط بواسطه بنای سد خبایی عمدت ادعایی صحیح ما بایشکه باید ملاحظه نهارا بکند اینسته که خلیج فارس را ما منظم نموده این و دزدن دریائی را خا از آنها بیرون کرده این کافی نیست زیرا که این نوع خدمت بعالم هم در دنیا لامائی تحساب نمیشود وقتیکه قرارداد اورین و انگلیس اعلام شد عقیقه مردم براین بود که تنزل متفاوض انگلستان در ایران انساب اشکال هدا کرای سرا اوراد گری شدیلی در خلیج فارس ما در مقام ایجاد منافع تجارتی هیچ زحمت نکشیده این این پیشیک نمیتواند بیش از باین دوام باید و باید یک لیره خودمان را ده لیره بکنیم و با اینکه ذیگری که قادر باین کار است ما را از آن مهروم خواهد کرد .

اقتصادیات آلمان در آسیا صنیع و اقدامات روس در ایران ، تهدید راه آهن بغداد و آبادنودن آسیای وسطی تمام اینها انگلیس را مایه عبرت است که باید نیدار شود واقعه ایکه اخیراً بینها و آلمان در چزیزه ابو موسی فوی داده باد آوری مجدد از خطراتی است که در پیش ذاکم و اینهم بواسطه مستحکم تنمودن مقام خودمان ایشت در خلیج فارس .

حفظ حدود هندوستان فقط کاردیلماسی و نظایری نیست و بسته است با اقدامات اقتصادی ، آلمانها این مطلب را بسیار خوب میدانند و بی سرو صدا مشغول ایجاد منافع تجارتی هستند و هنچ اینکه بهانه ای برای اقدامات سیاسی داشته باشند همانطور یکده در مراکش هم وقایع کردند .

روزنامه « دنیلی نیوز » چنان نوشته بود : گسانیکه مخالف قرارداد بیرون این عمل را گناهی نسبت بعالم آزادی عیش مردند ولی ممکن است که این قرارداد پنقره از گناه یعنی خطاگی ملخص باشد اساساً این قرارداد وقتی گذاشته شد که روس دولت

بزرگی بود وزاپون هارا از حمله روس این نکرده بود و ایران طمعه خوبی بنظر میآمد که منتظر درنده بود و نفوذنا در ایران در موقع جنک ترانسواں تقریبا از میان رفته بود و تعریف کمر کی جدید ایران که کاملاً بنفع روسیه بود تجارت مارا ازین بزرگ در چنین وقتی اعضای قرارداد باروس سیاست عاقلانه بود و بدین ترتیب ممکن بود هندرال از حمله روس محفوظ بداریم و قسمتی از تجارت خود را در ایران برای خودمان نگاهداریم ولی از آنوقت تا حال اوضاع شرق میانه بکلی تغییر یافته و بواسطه شکستی که بروس رسید هیچ درقه ندارد که بالانگلستان وزاپون مقابله کند و از همه مهمتر تغییری است که در ایران رویداده سه سال قبل ایران عبارت بود از شاهی و درباری و وزرای رشوه خوار تجارت و مملکت همه آماده تصرف و در ملت ایران آنلای ارزان دگی و بیبودی نبود امروز ایران بیدار شده هوش ملی و عشق استقلال برش برگشته و بانهایت جد و جهد و شور بفکر اصلاح کار خود از روی اساس پارلمانی افتاده با این وصف تمام اوضاع دگرگون شده است.

سه سال قبل انگلیس در موقع دشواری در ایران فقط هنچی برأی و میل روس میتوالست بشود اما امروز نکته در اینست که بچه نحو باید جلب اعتماد خود ایرانیان را بکنیم و دزه میں شماره عقیده یک شخص دیگر ایرانی را در باره قرارداد چاپ کردیم از خواندن آن شرح معلوم میشود که از حیث شهرت و نفوذ و تجارت خبط بزرگی کرده ایم مقام خودمان را در افغانستان و تبت که هیچ محل خطر نبود بواسطه این قرارداد این ساختیم ولی در عرض قسمت بزرگ ایران را بدایره نفوذ روس گذاشته ایم در اینصورت جای تعجب نیست که مستر لینچ (۱) اینهمه دادو فریاد بردا سازد. شمال ایران نه فقط از لحاظ تجارت و جمعیت بر سایر نقاط مزیت دارد بلکه اهالی آنجا مردمان خیلی مطیع و بصیراند و شمال جانی است که ماده اصلاح از آنجا پیدا شده است.

بلی مایید این که در قرارداد استقلال و سلامت ایران شرط شده است و تجارت برای تمام ملل متساویاً منظور گردیده بعارات اخیر تمام عبارات معصومانه که در قراردادهای تونس، منچوری و مصر بقلم آمده در این قرارداد هم درج شده است ولی

باوسایل علمی جدید نفوذ کردن با آرامی که روس خود در آن ماهر است دادن این حقوق بروسیه مثل دادن کلیه چیزهای است راه و راه آهن را تردیدی نیست باید قزاق روس حفظ نماید بانکی که سرمایه اش دولتی است شرایط لازم را در استقرار این میگذارد وزیری که بارشوه امتیاز میدهد برشوه خیلی چیز ها میتواند بدهد روزی میآید که تنزیل پس هیافت دارد یارعیتی از روس کشته میشود آنوقت خودجاگنی و نفوذ تبدیل بتصرف موقعی میشود راست است که همه این چیز ها قبل ازین نیز متصور بود ولی تفاوتی که فعلا هست اینست که ها متعهد شده ایم ممانعت با کار شکنی در پیشرفت دزدگی روس در ایران نکنیم .

ایرانیها که عقاید شان را امروز درج کردیم در نهایت تلخی ولی با قوت قلب در برآور این خطر بزرگ خود را نگاه داشته اند و گمان میگنند وطن پرستی ایران بقدر کافی محکم است که با این قیل تجاوزات میتواند برابری بگند بلی در صورتی که استقلال ایران در قرارداد تسبیح شده ایران حق دارد نه بما امتیاز بدهد و نه بروس این عقیده خوبی است کاش ماهم میتوانستیم با این عقیده شریک شویم .

ملت ضعیفی که و تنها وقتی میتواند حقوق خود را حفظ کند که بتواند در مقابل قراق روس مقاومت نماید هر عبارتی که محض پنهان کردن تقسیم ایران از قبیل تقسیم منطقه تجارتی وغیره پکل برند عقیده مایه اینست که کار استقلال ایران ساخته شده و هر قدر کم از ایران با خبر باشیم باز اینقدر از این جنبش اطلاع داریم که میدانیم در این نهضت اصلاح طلبانه روسیه مستبد طبق سیاست خود عمل کرده است زیرا روس هر وقت دولت پوسیده را مییند که میخواهد تجدید حیات کند سر آن دولت را میگوید و با همه احتجاجات « روزنامه تایمز » باز امیدواریم وزرای آزادی خواه انگلستان خود را از چین کناء عالمی کنار بگشند .

هیچ معنی برای این قرارداد نمیتوانستیم تصور کنیم هرگاه وزیر خارجه نمیگفت که هنر صد عمدی از کنار آمدن باروس اینست که اورا درباره در مجمع اروپایی در جای خود قرار دهیم که بواسطه ایجاد اتحاد روس و انگلیس و فرانسه تعادل در قوای دول پیدا شده باشد .

حال میزان قوه دول را بواسطه برانداختن استقلال ایران متعادل کردند ولی کمان نداریم که با وجود اینکار تعادل واقعی حاصل شده باشد و خیلی محتمل است نفوذی را که انگلیس در ایران از دست داده آلمان تصاحب نماید.

روزنامه «تاپمز» نوشته بود بار لمان ایران چاهل است و تاکنون لیاقتی در اجرای قوانین و انتظامات نشان نداده و از اصلاح مالیات عاجزمانده اند شاه نیز هر قدر که می تواند پول درواه تفرقه و فساد اصلاح خواهان صرف میکند و هفتین هم مداخله دول خارجه را کمک خیالات خود برای دفع اصلاح طلبان میدانند و حالا که بعضی مجتهدین نیز با آنها همدست شده‌اند ممکن است اسباب خطرجهت عیسیویان فراهم شود و تقصیر را بگیردن اصلاح خواهان بگذارند و سیاست را بیان بکشند و تولید خطر ممکن است بشود فتنا بر این امراض این قرارداد خیلی موجب خوشوقتی است ولی انگلیس‌ها مربوط باشون برضه این قرارداد هستند.

باری از مراجعت بچرا اند آن روز روسیه و انگلستان معلوم میشود که صرفه در این کار سیاسی با انگلیس‌ها بوده است و روزنامه‌های انگلیسی از امضا شدن قرارداد ۱۹۰۷ خیلی اظهار مسرت و شاده‌انی کردند و بر عکس روسها آنقدرها سرور و خوشحالی نداشتند چنان‌که روزنامه تاپمز در سرمه‌اله ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷ نوشته بود: عهدنامه بین دولتین انگلیس و روس موجب رضایت عامه انگلستان منصف کردیده زیرا که این عهدنامه اسباب اطمینان و استحکام حقوق فعلی انگلیس در ممالک ایران و افغانستان و تبت گشته و دولت روس آن حقوق را رسماً خواهد شناخت.

روزنامه «دیلی کرونیکل» چاپ لندن نوشته بود: عهدنامه بین دولت انگلیس و روس دلیل بر کفایت ولیاقت وزیر خارجه انگلیس میباشد (۱) زیر در این مورد

(۱) هر چند سر ادوارد گری بانی قرارداد ۱۹۰۷ بود ولی سر ار تور پیکلسن سفیر انگلیس در دربار نزار معاو ماهر این بنای سیاسی بشار میرود وی بواسطه برداشی و مهارت و استادی که در کار مذاکرات مربوط به اتفاقات قرارداد مزبور نشان داد بدان امراض آن بدریافت تقدیرنامه از پادشاه انگلستان نائل آمد و ادارد هفتم او را مانند بر از نده ترین دیلیمات دولت خود مورد تحسین و خدماتش را مورد تقدیر قرارداد (مؤلف)

دولت انگلیس در واقع چیزی از دست نداده از بزرگترین منافع و فوایدی که برده رهایی و آسودگی از خیالات و تزلزل از حمله و احاطه روس در هندوستان عیاشد. روزنامه «استاندارد» نوشته بود که «ابتها بر رضامندی سر اراده اردگری و زیر خارجه و مورای وزیر هندوستان را از حسن کفايت و مهیا به بصیرت در ذیلهم اسی تبریک میگوایم چه اکثر اهالی انگلستان شادمان و مسروزند که بالاخره قراردادی فیما بین روس و انگلیس بسته شد و از این قرارداد وضع حکومت هندوستان بدون شبهه بیش از پیش محکم و متقن گردید.

روزنامه تایمز در شماره دیگر خود مینویسد که این مسئله دیگر برای انگلستان خالی از اهمیت نیست که دولت روس بواسطه این قرارداد متعهد باشد مداخله در امور آن نواحی و قطعاتی که از ایران که ممکن بود طریق مسافرت و راه دخول به هندوستان محسوب شوند نماید بلکه آن دولت معظم او اولیت حق و پیشقدمی دولت انگلیس را در آن قطعات بعده شناخته است دولت انگلیس در عوض در قطعات دور دست ایران که تزدیک بحدود هند نیستند بجهت دولتون حقوق و نفوذ معتبره منظور داشته است.

دیگر آنکه وضع و نفوذ انگلیس در خلیج فارس بسب اینکه بندر عباس در این عهدنامه جزو دایره نفوذ انگلیس محسوب و منظور گردیده مطمئن تر و محکمتر از سابق گردیده است.

اما در خصوص افغانستان دولت روس بوسیله تعهدات «مجدانه همه قسم اطمینان» داده که در خاک هندوستان نه بوسیله نفوذ و دخول بطور صلح رسالت دست تطاول و تخطی دراز نماید خود این مسئله مخالفت و مخاصمت واقعی یا موهمی که در پنجاه سال اخیر بین این دو دولت بوده و هر روز صلح و امنیت عالم را در خطر و متزلزل داشته و رفع میسازد.

روزنامه ماتن چاپ پاریس در شماره ۳۰ اپریل ۱۹۰۷ خود نوشته بود: اهتمامات دولت فرانسه در همکاری علمی لندن مذاکره از قرارداد روس و انگلیس و اهمیت این حسن اتحاد و دوام آنست این اتحاد علاوه بر اینکه موجب رفع و سلب عدم اعتمادی

است که دولتین: روس و انگلیس تاکنون نسبت بهم داشته اند خوشبختانه نتیجه منطقی دیگری دارد و آن اتفاق واقعی و قائم مابین دولت فرانسه و دولت هندوستان او یعنی روس و دولت انگلیس است و بلاشبک در این مملکت پیشرفت پاتیک عاقلانه که اعلیحضرت ادوارد پیشنهاد فرمودند مشاهده خواهد شد و امید است که این آلت دین اسلامیکی یعنی قرارداد مذکور سبب ختم کینه و حسد بین امالي دولتین روس و انگلیس گردد....

و در باب ایران که حال کنونیش بهجای نازکی رسیده این قرارداد جدید متعهد است که هیچ نفوذ خارجی در نواحی جنوب شرقی ایران که همجاور شمال غربی هندوستان است برقرار نگردد و اگر این مقصود حاصل شده باشد و دولت انگلیس در خاییچ فارس محفوظ بماند سزاوار است بگوییم که بر هیچیک از دولت همایعی دولت فرانسه درباره این اقدامات یعنی اتحاد مابین دولتین روس و انگلیس پوشیده نیست .

فقطیه پنهانی جزو اند ایرانی در آن هو قفع

در باره این قرارداد

روزنامه وزیر حبیل المتبین در شماره ۳۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری در سر مقاله اساسی خود راجع به قرارداد سیاسی روس و انگلیس مربوط به ایران نوشته بود از وقتیکه روس در جنگ شرق اقصی آن شکست فاحش را خورد و از طرف خاور دور یکباره نا امید و مایوس شد و ضمن العقد دانست که این نیز نک و گرفتاری را دولت انگلیس در منچوری و چین برای او فراهم آورده و دیگر دست تها با قدران مالیه نمیتواند مشغول کار شود صلاح و صرفه خود را در اتحاد با انگلستان دید.

انگلیس از یک طرف جنگ اقصای شرق را بربا نمود و دولت روس را فوق العاده گرفتار و پریشان ساخت و از طرف دیگر بپرسکلی که بود خیالات اهالی روسیه را بسمت آزادی معطوف داشت و بعداز فراغت از جنگ با ژاپون دولت روس یک سره دچار انقلابات داخلی گردید و تارفت خبردار شود انگلیس نفوذ و قدرت خود را در زمینه تبت استوار ساخت. ایرانیان را ایزسر گرم مسئله مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و آزادی وغیره نمود و میدان جولان خود را از اغیار خالی ساخت و تا آنجا که میخواست هر کب را تاخت.

فرانسویها در ضمن بروس که همراهیان بود جالی کردند که رقابت خود را با انگلیس کنار بگذارد و صلاح کارشان در دوستی با انگلستان است انگلیس هم این کار را از خدا میخواست این بود که هر دو متعایل بهم شده اول در پرده زمزمه کرده و جراحت طرفین محسنات این امر را نوشته کم کم صورت خارجی پیدا نمود تا آنکه در یک ماه قبل تکرار افات خبر دادند که در شدت گرمی هوا که اغلب دو امداد دولتی تعطیل و مردم در میلاد بودند سفیر کیر انگلیس مقیم پطرز بود که با وزیر خارجه روس در شهر متوقف و با کمال حرارت سر گرم تصفیه مواد عهدنامه هستند و چزء عمدی این معاهده راجع پایران است.

و در شماره اول شعبان ۱۳۲۵ مینویسد - راستی حکایت دارد ها درخانه خود نشسته دیگران در باره خانه ما گفتگو میکنند و با هم عهدو پیمان می بندند و بخود هاهم اصلاً اطلاع نمیدهند این یک داستان غریب است که نظریش را کسی ندیده است تکلیف مجلسیان است که فوراً وزراء را به مجلس علنی خواسته کمیسیون بازی و مجلس ستری را که این سه چهارماهه برپا شده موقوف نموده علیه مطلب را تحقیق کنند و رسماً بهم دول اطلاع بدهند که بدون اطلاع با هر گونه معاہده که بسته شود از درجه صحت و اعتبار ساقط و عاطل است

اگرچه عنوان ظاهری این قرار داد حفظ استقلال ایران است و بدین واسطه بعضی از وکلای ما به انتیاه افراوه در مجلس فرموده اند که این معاہده ضرری برای ایران ندارد زیرا که مقصود اصلی این قرارداد نگاهداری ایران است لکن موشکافان رموزپلیتیک بخوبی واقنوند که در هر کجا نفوذ یکی از دول پیدا شد در تحت همین کلمات دلنشیع ظاهر فریب بوده است لکن در صورتیکه این دو دول طالب بقاء سلطنت ایران بودند دیگر معاہده لازم نبود واضح است خطری که بر ایران متوجه است از این دو دول است در صورتیکه آنها علمی نداشته باشند دیگر چه احتیاج معاہده است؟ و باز دو شماره دیگر نوشته است : تکلیف اصلی ما آنست که طوری بیدار و هوشیار شویم و پیش بندی سیلیهای آنیه را بنماییم که بیداری ما طمع اجانب را یکباره از همکمان قطع کنند لازم نیست اصل خیال دولتین را ما ملتفت شویم فرض میکنیم واقعاً خیال تقسیم ملک ما را دارند بدیهی است که راه تقسیم کردن این نیست که قشون وارد کنند و بزور قوه نظامی خانه ما را تصرف نمایند بلکه کم کم چنان میزند بوسایط وسائلی که توجه آنها تاده بیست سال دیگر تمام شدن ما است ما هم باید در مقابل اقداماتی بکنیم که باطل المسحر کارهای آنها باشد پس از امروز لازم فوری است که با تمام جدوجهد کارهای خود را اصلاح نموده راه از دیاد نفوذ اجانب را مسدود سازیم و قسمی بیداری و زندگ بودن خود را بخراج آنها بدھیم که مایوس شده دست از سرمان بردارند .

مرحوم مؤیدالاسلام در شماره ۲۸ شعبان ۱۳۲۶ حبیل المتعین مینویسد: سبحان الله کدام تمدن اذن میدهد که برای محافظت هند وستان انگلیس مملکت مار امپال المصالحة

قراردهد و روس را در عوض سلب نفوذش در افغانستان و تبت از ایالات شمالی ایران
عومن کرامت فرماید

البته حفظ سه نقطه برای انگلیس نهایت مهم و واجب ترین همه وظایف و تکالیف
است اول تبت دوم افغانستان سوم جنوب شرقی ایران و هر وقت روس از حقوق موهومی
خود در نقاط سه گانه صرف نظر کرد معلوم میشود از تبخیر هندوستان در گذشته و منصرف
شده است و اینهم بالآخرین آرزوی انگلیس است و بسیار از روس ممنون میشود که در
جنین مقصودی بالومشارکت نماید و طمع خود را از هند سلب کند حالا روس ایران را بگیرد
یا عالم را زیر وزیر کند بگاو و گومند انگلیس ضرری وارد نمی‌آید.

انگلیس در این صورت چه مضايقه خواهد داشت که دولت شش هزار ساله باز پیچه
دست یک شاهنشاهی را که دستور این تیاتر هستند واقع شود، ملت آزادی پرست
انگلستان را چه کار که این ملت نجیب تازه بیدار که باید بر همه بازار شوق و شعف
بطریف سر منزل آزادی واستقلال میدوند اسیر چنگ کل مستبدان شمالی واقع شود اما
باز بقول معروف دنیا خالی نیست و مردم خدا پرست نوع دولت در هر نقطه دنیا هستند
که از این بی انصافی که در شرع دیپلماسی حکم جواز آن داده شده مذمت کنند و این
حرکت پیر حمانه را قبیح بشمارند چنان که روزنامه « دیلی نیوز » که در شماره نمره
اول جوانان انگلیس محسوب میگردد و مسلکش طرفداری آزادی و عدالت است
در خصوص این معاهده انگلیس شرحی منصفانه نوشته که نهایت اسباب امتنان ملت
ایران گردید. (۱)

حبل المتبین در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۰۷ نوشته بود « همه این کشمکش و ممتازه
در سر لحاف هلانصر الدین بوده است نه انگلیس از این معاهده به پطرز بورغ و سایر
نقاط روسیه دست تصرف دراز خواهد کرد و نه روس از این عهدنامه مالک جز ایران اصلی
بریتانیا خواهد شد همانا اگر گذشت و بخششی از هر سمت بطرف مقابله و حریف باشد
از خالک ده کر ان است روس جنوب شرقی ایران را بانگلیس میبخشد و انگلیس شمال و
مرکز ایران را بر قس عطا و موهبت فرموده است.

پس ماباید بفسکر کار خود باشیم و دو دستی با همه دقت و مواظبت کلاه خود را نگاه داریم و ببیچوجه مقید باین فصول معاوه ده که جملگی بر ضرر مابسته شده نباشیم چنانکه یکی از محترم و دانانترین و کلای ما در مجلس (۱) تصریح باین مسئله نمود که دولتین روس و انگلیس خود میدانند هر نوع قراری با یکدیگر بدنه هنرمندی نباشی در این مورد نازک اینطور بر علیه ما معاوه ده بکنند لکن حال که کرده اند خود میدانند ولی هابقدر سر سوزنی خود را ببیچ کلمه از کلمات آن مقید و پابند نمیدانیم .

و یکنفر وزیر دانشمند ایرانی در اینباب چنین گفته است: « هن میتوانم بشما با کمال قوت قلب اطمینان و خاطر جمعی حقیقی بدهم و شمارا کاملا مطمئن سازم که مملوکت شما متعلق بخودتان است واحدی در بیک وجہ اراضی آن دست تهدی و تصرف دراز آن خواهد کرد لکن یک شرط که شما بونظائف خود عمل کنید و از جاده استقامت خارج نشوید یعنی بهانه دست طرف و شمشیر بکف دشمن ندهید و جامه خود را با ک کنید و از کازران با ک نداشته باشید اما هر گاه خودتان روش دیوانگان پیش بگیرید و میدان را برای حریف خالی نمایید البته تا آخرین نقطه امکان تهدی و تجاوز را فرو گذار نخواهد کرد . »

و در شماره ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ زیر عنوان عهدنامه روس و انگلیس یانفس آخر ایران مینویسد :

« اول روزنامه داخلی ایران که در این موضوع خانه سوز بقدر مقدور سخنراند حبل المیان یومیه بود که در چندین شماره پی در پی آنچه میدانستیم و از پیر استاد بیاد داشتیم لوشتیم و بکارزدیم مگر حس این ملت را بیدار و خونشان را اندکی کرم سازیم و نظر سطحی شان را قدوی متوجه تعمق در مسائل پلیسی بنماییم لکن چون آن مقالات مشتمل بر فحش و دشام نبود مطبوع طبع عامه نگردید و بسبب آنکه تملق و تمجید نداشت منظور نظر خواص و بزرگان نشد

در انگلستان راجع به معاوه روس و انگلیس سه عقیده عمده وجود داشته

(۱) در جلسه روز شنبه ۱۶ شعبان ۱۳۲۵ در مجلس شورای ملی ایران متن قرارداد ۱۹۰۷ قرائت و مطرح شد .

است اول عقیده روزنامه قایمک و طرفداران اوست که از قرارداد تمجید کرده و فواید زیاد برای آن شمرده اند. دوم عقیده جمعی از محافظه کاران است که مقام طمع و آتشان از طبقه اول زیادتر بوده این عده در تقسیم ایران حرفی نداشتند ولی میگفتند انگلیس در این معاہده مغلوب و قسمت روس زیادتر شده تقاطع معمور و آباد پر جمیعت را وسیه گرفته ویک قسمت کوچک خزاب را به انگلیس واگذار کردند (لرد کرزن از این دسته بود).

دسته سوم کسانی بودند که خود را حامی نوع بشر و هوای خواه آزادی و حریت مطلقه دانسته و در حفظ حقوق نوعی خیلی سعی و جهد داشته حتی الامکان در صدد خدمت بعالم انسانیت بودند این عده ابدا این معاہده را قبول نکرده بلکه آنرا شایع کننده حقوق بشری و ظلم واضح میدانستند و سریع میگفتند هرگز روا نبود ایرانیان تازه بیدار را گرفتار پنجه بیرحمی نموده و طعمه روس قرار دهند از جمله فاضل بصیر و فیلسوف خیر ادویه بیرون معلم السنده شرقیه در دارالفنون کمپریج ساخت بر ضد معاہده هزبود برخواسته و عالم انسانیت را رهین خدمت خورد ساخته است وی در باره این قرارداد خطاب به سیاسیون انگلستان گفته بود « از این خیانت بانسانیت قلم عفو تا ابدالا باد بآنها کشیده نخواهد شد و معفو نخواهند گردید و اگر قابل عفو و غفران باشند باید قابل شد که ذنب لا یغفر در عالم وجود ندارد ».

از « انقلاب ایران »

پروفسور برون در کتاب « انقلاب ایران » مینویسد.

با آنکه امضا قرارداد ۱۹۰۷ در انگلستان موقتی دوبلن سیاستمداری تلقی شده و حتی رهبر حزب مخالف نیز آنرا تأیید نموده بود از طرف سیاستمدارانی مانند لرد کرزن و آقای لینچ (۱) که بالمور ایران خوب آشنا بودند سخت مورد انتقاد قرار گرفت ولی این مخالفت نه چندان از آن جهت بود که قرارداد مذبور که در سر نوشته ایران ممکن بود تائیرات بسیار داشته باشد امضاء شد بدون اینکه با خود ایرانیان راجع آیان صحبتی بشود و با احساسات آنان درباره تعیین منطقه نفوذ در سرزمین ایران موردن توجه واقع شده باشد و یا بجهت آنکه اینکار اقدامی برخلاف اصول انسانیت بوده بلکه اعتراض و انتقاد این حضرات از آن بابت بود که انگلستان در تقسیم ایران نصیب ولغی بدست نیاورده بود.

مستشرق اینند وست. هنری کور قسمی از اظہارات مستر لینچ را در این موضوع

به رح ذیل نقل میکند:

« امید است که این قرارداد بتواند وسیله بهبود روابط مابارون بشود و این دولت پی ببرد و ملاحظه کند که ما چه نکرانی هایی از این جهت داریم و چه انداده این مسئله اهمیت میدهیم. ولی کمال نمیکنم که بدختانه این اقدام بهبود جویه موجب بهبود روابط مابالیران گردد. روح ایران در جشنی که ما با روسها با تختار این قرارداد برقرار کرده ایم حاضر است و درحالیکه این مجلس خوش و سرور برباست و بذک تو شانوش بین طرفین مبادله میشود این ملت کوچک که دو ایجاد ثروت معنوی و هنری جهان خدعت شایان نموده و قبل از امضا این قرارداد آینده امید بخشی دریش داشت

(۱) H. F. B. Lynch ناینده مجلس معمون انگلیس بود که ای کشی رانی

رو دخانه کارون و تاسیسات دیگر در ایران داشت

اکنون یعنی زندگی و مرگ در مانده و بدون یار و یاور تقسیم شده و تقریباً به حال تجزیه بعدم
ما افتاده است»

این مطلب که قراردادروس و انگلیس در آن قسمتی که با ایران ارتباط داشته
بمنزله تقسیم آن سرزمین بیچاره تلقی شده ظاهراً قضاوتی بود که عموماً نه فقط در خود
ایران بلکه در انگلستان نیز استنبط کرده بودند تصویری که در شماره ۱۲ اکتبر
۱۹۰۷ مجله پنج (۱) منتشر شد بخوبی این نظر عمومی را نشان میداد این تصویر شیر
انگلیس و خرس روس را نشان میدهد که یک گربه بیچاره ایرانی را از دو طرف گرفته‌اند
شیر می‌گوید «تو میتوانی با سرش بازی کنی و من بادمش بازی خواهم کرد و هر دو هم
میتوانیم دستی پشت کوچکش بکشیم» در حالیکه گربه بد بخت ناله کنای
می‌گوید:

«یاد نیست که شما دوباره این رفتار خود از من اذنی گرفته باشید»

انگلیس بمناسبت بناء دادن چهارده پانزده هزار نفر در عمارت سفارت خود در
تابستان ۱۹۰۶ و در تبعیجه بواسطه اعطای مشروطیت از طرف مظفر الدین شاه محبوبیت
زیاد در میان طبقه اصلاح طلب بندست آورده بود تا اینکه بر اثر شایعه مذاکرات او با
روس که شامل حال ایران هم می‌شد این محبوبیت سریعاً رو بزوای نهاد سوه ظن فوراً
همه را فراگرفت زیرا چنانکه ایران این می‌گویند (دشمن سه نوع است، دشمنان، دشمنان
دوستان و دوستان دشمنان)

روسیه که سرزمین استبدادی حدود و دشمن دیرین آزادی و نابود کننده آن همه
کشورها بود که دوزی آزادی داشته در نظر مشروطه خواهان بذترین دشمن ایران
بشمار میرفت و اکر انگلیس در صدد بر می‌آمد که با او پیمان اتحاد امضاء کند چگونه
امکان داشت که باز دوست قابل اعتماد ایران باشد؟

بدین ترتیب هر چه خبر پیشافت مذاکرات مر بوط بقرارداد بیشتر شیوع می‌یافتد
سوه ظن نیز رفته رفته زیاد تر می‌شد تا منجر بتویید خصوصت شدید مخصوصاً در میان

آن قسمت از مردم ایران شد که امیدوار بودند انگلستان دوست مقتصد و بایان‌آمده‌ای نسبت به آنها باشد و عمل از نهضت آزادی‌خواهی ایران که آنهمه مرهون نمونه‌وار آزادی‌خواهی انگلیس بود حمایت کند. (۱)



(۱) پروفسور ادوارد بروون دانشمند و مستشرق معروف انگلیسی دوستدار حمایت ایران بود. در سخت ترین موقع تاریخ معاصر کشور مایه‌شی در گیرودار مذاکره قرارداد خطرناک ۱۹۰۷ وی چه با مقالات پرشور و چه بوسیله نطق و بیان کمک‌های ذی قیمتی در تهییج انکار هموطنان خودجهت حمایت از ایرانیان کرد. کتاب «تاریخ ادبی ایران» او در ردیف بهترین آثار ادبی عالم است. دو کتاب معروف دیگرش یکی سفرنامه او با ایران بنام «پیکسل در میان ایرانیان» و دیگری «انقلاب ایران» است که در این فصل ترجمه قسمتی از آن نقل شده است.

شورویها در باب این قرارداد چه نوشته‌اند؟

دیکسیونر دیپلماتیک چاپ مسکو که بااهتمام لزوفسکی و ویشنسکی (۱) در سال ۱۹۰۸ طبع و نشر یافته شرحتی در باب موافقنامه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ روس و انگلیس دارد که ترجمه متن آن ذیلا درج می‌شود:

در نتیجه بسط نیروی دریائی امپراطوری آلمان و ساختن خط آهن بغداد زمامداران انگلیس، بیش از پیش بتوسعه و تحقیم روابط میان روسیه و انگلستان آبراز علاقه نمودند لرستان برو در سال ۱۹۰۳ در مجلس لرها اظهار داشت «من ترجیح میدهم روسها را در قسطنطیله مشاهده کنم تا اینکه نیروی دریائی آلمان را در کرانه های خلیج فارس مستقر بیشم» پس از اینکه در سال ۱۹۰۴ پیمان دوستی انگلیس و فرانسه با مصائب رسید، سیاست خارجی انگلیس الحق روسیه را باین پیمان نصیب‌العین خود قرارداده بود و از طرف دیگر جنک روسیه و زاپن (۱۹۰۵) نقشه‌های وسیع تساویز را در شرق اقصی عقیم گذاشت و از نفوذ روسیه در ایران و تبت کاسته شد و در سیاست خارجی دولت تزاری جرح و تعدیلی بعمل آمد نخستین قدمی که در مرحله جدید سیاست خارجی بروانه شد این بود که ایزوولسکی بجهای لاهس در فریست و وزیر امور خارجه تعیین شد. ایزوولسکی ملی نامه‌ای به پالکی تسین ریجن ستداد و این امپراطوری در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۶ چنین نوشت:

«از بین بردن اختلافات دیرین میان ما و انگلیس‌ها که منجر بتمرکز نیروی نظامی مادرنواحی خاور دور و خاور میانه میگردد بما فرست خواهد داد که در موقع مقتضی از نیروهای مزبور در حل و فصل مسائل تاریخی و حیاتی که در خاور نزدیک داریم استفاده نمایم» تیرگی که در روابط میان روس و زاپن در بهار ۱۹۰۷ داد روسیه

(۱) لزوفسکی معاون سابق وزارت امور خارجه شوروی ویشنسکی وزیر امور

خارجی فعال

را بر آن داشت نزدیکی با انگلیس یعنی متحده ژاپن را پیش از ایست بعده تعریف نیافردازد. از این لحظه میتوان گفت که موافقنامه روسیه و ژاپن در ۱۹۰۷ و موافقنامه روس و انگلیس که چند ماه بعد از آن بامضاه رسید با هم ارتباط بسیار نزدیک و اساسی دارند.

مذاکرات در پطرزبورگ در پیرامون سه مسئله بیت، افغانستان و ایران جریان داشت مسئله بیت بسیار سخت حل شد طرفین موافقت نمودند که استقلال و تمامیت ارضی کشور بیت را بسمیت بشناسند و از هر گونه دخالت در امور آن کشور خودداری نمایند و بالهایا بتوسط چین روابطی برقرار کنند. دولت روسیه متوجه بود که انگلیس هایدشت چو مبارا از نیروی خود تخلیه نمایند (اشغال این ناحیه از طرف انگلیسها بمنزله ضمانت اجرای قرارداد ۱۹۰۴ از طرف بیت بود) و دیگر اینکه نوار بوریات اتباع روسیه حق داشته باشند برای زیارت و انجام تشریفات مذهبی به ایسا بروند. انگلیسها دو تقاضای روسیه را پذیرفتند مذاکرات در باره افغانستان و ایران بکنندی پیش میرفت. این کنندی در مذاکرات معلوم دو عملت بود. نخست اینکه آلمانها به عنوان مختلف و باد سائنس گوناگون سعی میکردند که در کار پیمان انگلیس و روس اخلاق نمایند و دیگر اینکه انگلیسها در آغاز مذاکرات سر سختی زیاد ایراز میداشتند.

پس از مذاکرات حلولانی سه موافقنامه مربوط به ایران بیت - افغانستان در اوت ۱۹۰۷ تنظیم شده ۲۵ اوت ۱۹۰۷ قرارداد های مذکور مورد مطالعه هیئت وزیران روسیه قرار گرفت هیئت وزیران روسیه برخلاف انتظار ایزو لاسکی موافقنامه مذکور را باین عنوان که دست انگلیسها در افغانستان بازگذاشته رد کرد انگلیس بالآخره عجیب شد قول بدهد که از هر گونه دست اندازی بخلاف افغانستان خودداری خواهد نمود. موافقنامه مذکور در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ سرانجام بامضاه رسید.

انگلیس ناچار شد برای روسیه در ایران نطقه نفوذی پیش از آنچه هر ابتدای امر تصور میکرد قائل شود. کشور ایران بسه منطقه تقسیم گردید:
۱- منطقه نفوذ روسیه سرحد جنوبی این منطقه از قصر شهر زین اصفهان بزد

و ذوالقار میگذشت.

۲- منطقه نفوذ انگلیس. این منطقه در جنوب شرقی خطی که از بندر عباس تا کرمان بیرون گزیند و گزیند میگذشت قرار داشت.

۳- منطقه بیطرف این منطقه بین مناطق نفوذ روس و انگلیس قرار داشت. منطقه نفوذ انگلیس بر اهالی که با افغانستان و بلوچستان همراه سلطان داشت واژ لحاظ سوق الجیشی برای این کشور حائز کمال اهمیت بود هر یک از دولتین انگلیس و روس متعهد شدند در صدد تحصیل امیازی در منطقه نفوذ گری بر تبايند و بیمچو جه در اقداماتی که طرفین برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی در منطقه خودشان مینمایند دخالت نکنند در صورتیکه ایران بتعهدات مالی خود در برابر از گلیس و روسیه اتفاق نماید هر یک از دولتین مذکور ذیحق بودند بر عایدات دولت ایران در منطقه نفوذ خود نظارت کامل برقرار نمایند. اما منطقه بی طرف بمنزله عرصه رقابت برای انگلیسها و روسها شناخته شد.

در موافقت نامه راجع به افغانستان روسیه تعهد نمود کشور مذکور را خارج از حدود منافع خود شناخته و از هر گونه رابطه با دولت افغانستان مگر بوسیله انگلیس خودداری کند.

موافقت نامه روس و انگلیس روسیه را به (انتات کر دیال) ملحق نمود از این رواز طرفی سدّی در برابر تجاوز آلمان تشکیل شد و از طرف دیگر نزدیکی دو دولت معظم استعمار طلب بصورت حربه قاطعی در مبارزه با نهضتی های ملی و آزاد بخواهانه کشور های شرقی مخصوصاً ایران درآمد. از این جهت میتوان گفت که مبارزه مشترکه روسیه و انگلیس بر علیه نهضت انقلابی در ایران بالا فصله بعد از امضاء موافقت نامه مزبور این اتفاقی نبود. لین در یکی از آثارش موسوم به «جزوه های مربوط با پیر پالیس» صفحه ۶۲۱ معنی حقیقی و ماهیت موافقت نامه روس و انگلیس مورخه ۱۹۰۷ را بنحو ذیر بیان مینماید: «ایران و افغانستان و تبت را تقسیم مینمایند (خودشان را برای چنگ ها آلمان حاضر میگذند)».

دولتین ایران و افغانستان بر علیه موافقت نامه انگلیس و روس مورخه ۱۹۰۷ که

بدون اطلاع و شرکت آنها منعقد شده بود اعتراض کردند. معذلاً اک دولتی که موافقت نامه مذکور را امضاء کرده بودند آنرا بمرور اجراء گذاشتند.

.....

وزیر مختار ایران در سفارت واشنگتن (۱) در گزارش هر ریچ چهارم شوال ۱۳۲۵ هجری قمری خود بوزارت خارجه راجع به قرارداد شوم ۱۹۰۷ می‌نویسد:

در اوایل ماه رمضان تلگرافی از جناب اشرف پرنس علاء السلطنه (۲) رسید که عقاید خود و دیگران را در باب انعقاد عهدنامه بین انگلیس و روس سریعاً تلگراف نماید اگرچه از روز اولی که این مسئله مطرح مذاکره دولتین مزبور تین گردیده بکرر مطابق عات خارجه و داخله عاقبت و تغییر و معایب عدیده آنرا با براهین قویه و دلائل صحیحه مندرج و منتشر ساختند و عقیده هر شخص منصف و بی‌غرضی واضح و حل تردید نبود باز احتیاطاً تایکه‌فته بطوریکه لازم بود از سیاسیون بی‌طرف و رجال می‌بصراً از هر صنف و طبقه پرسیدم بقول یکنفر این مسئله مثل آن هیماند که دونفر دزد برای چاییدن خانه شخصی هتخدشده شرآکت نامه نوشته بعد با کمال جسارت و بی‌حیایی تزد صاحب خانه رفته اظهار دارند که ما پیش خود همچو قرارداد و عهدنامه بسته ایم حال تونیز آنرا تصدیق و امضا نمایم شروع بوده باشد در این موقع دولت انگلیس و روس ایران را کمتر از مراکش فرض کرده‌اند زیرا که برای مراکش باز کنفرانسی منعقد گردید و دولت چند نماینده فرستادند و نماینده خود مراکش در آنجا حضور داشت و از پرتوست بیهوده خود در هیچ موقع فروگذار نمی‌کرد تا یک که در باره ایران ابدآ همچو اقدام و رعایتی هم نمودند این عهدنامه تقسیم ایران را بین روس و انگلیس قابت می‌سازد و همچنین این که حدود شان بیکدیگر متصل نباشد تأمیناً بعدها اختلافی بهم رسید با اصطلاح فرانسه ها

(۱) مرحوم ممتاز الملک (مرتضی) برادر سعدالدوله و فرزند ساج میرزا جهان ناظم المهام مترجم حضور و پیشخدمت مخصوص مظفر الدین شاه و در هین حال در وزارت امور خارجه مشغول خدمت بود وی بسال ۱۳۰۳ هجری شمسی وزیر مختار ایران در واشنگتن شد و پنج ماه در این مقام بود و بعداً چند دفعه وزیر معارف و دوباره وزیر عدلیه شد. ممتاز الملک از بهترین مامورین سیاسی وزارت خارجه و از رجال وطن دوست و اتفاقی و علاقه‌مند جدی ترقی ایزان بود.

(۲) وزیر مختار ایران در لندن

که واسطه دوستی آن دو دولت شده‌اند یاک منطقه بی طرف هم در مرکز رسم کرده‌اند.

آزادی تجارت یعنی چه ؟ ضمانت انتگریت ارضی چه معنی دارد کدام دولت تا با همروز حتی در ملک خود تجارت دولت دیگر را تو انتسته است مانع شود چه برسد بملک دیگر آن و نیز ما همسایه دیگری جز انگلیس و روس هناریم پس لین فهمان اتشان از برای کدام دولت دیگر است دولت انگلیس منکر انتگریت ارضی همچو را اعلام نکردو تهدید شمود پس قشون در آنجا چه می‌کند و دخالت در کلیه امور از برای چیست و چرا پیشندی قبل در مقابل مختصر تجاوز عثمانی که سلطنت عصر اسما با آنها همچ با فاصله یکروز قشون عثمانی سینه علی خود را متحاذی با توبیه‌ای گشته‌ای بجنگی انگلیس درده و از ترس عقب نشستند....

مگر کنفرانس الجزیره تمامیت ارضی مراکش را نکرد پس اینکه قشون فرانسه در کازابلانگا و نقاط دیگر مراکش چکار می‌کند و کدام یاک از دول امضاء کننده بحمایت و دادخواهی خون پنج هزار اعراب فدائی و شهدا و وطن بر آمد سبحان الله چرا این دایگان، این دلسویها را برای دول مشرق زمین مینمایند و انگریت ارضی دول صغار بالکان را که بمراتب ضعیفتر و کم جنگه ترند ضمانت نمی‌کنند بلکه بزند دولت عثمانی عهدنامه سری می‌بینندند....

اگر واقعاً دول دوس و انگلیس طالب دوام سلطنت و استقلال مملکت ایران می‌بودند بایستی بجای ضمانت و تأمین ملکی بذین قسم عهد نامه بینندند « ما دولتین چون خیر خواه و طالب بقاء استقلال و ترقی ملت ایران هستیم لهذا تعهد می‌کنیم که ببیچوجه من الوجه بامور داخلی آن دولت دخالت نکرده و در آبادی و ترقی مملکت تا باندازه ایکه ممکن است همراهی نهایم زیرا که هر قدر مملکت ایران آباد شده و قوت یابد همانقدر منافع تجاري و سیاسی ما با آن دولت زیاد خواهد گردید و بدوستی و اتحاد با آن مطمئن خواهیم بود و حقوقمان در آن صورت محفوظ خواهد بود تا آنکه اگر بقمند تصرف قسمتی از آن ملک مدیرانه برآتیم عاقبت دچار بلیات عظیم خواهیم شد زیرا که ایرانیها اینطورها سهل‌الهضم نیستند چنانچه من کنیه بیرونی هستم در عرض

همه‌گاه سال هنوز تو انتقام مسلط بر چند شهری که در آن زمان بتزویر و معاونت از امنه و گرجیها دبودم بشوم و الساعه دولت ایران با اندک تدبیر و وعده‌های دور و دراز هیتواند تمام قفقازیه را بشود اند و همان گرجیها و اراهنه یاران دیرین هر را با خود هم‌دست سازد و دویست هزار دلو طلب فقط از قفقاز جمع نماید و نیز من که انگلیس هستم تدبیر هیرزا آقا خان صدر اعظم را در بلای هندوستان که هیچ نمانده بود از چنگ‌گالم بیرون برود فراموش نکرده ام خاصه این ایام که ماده هامستعد و منتظر یک اشاره خارجی هستند و ما نباید بمنوان آنکه یک صد نفر سوار پوسیده عثمانی دویست قزیه حوالی ارومیه را چاییده و ویران کردن دشیرک بشویم . .

این‌مثله دیگری است که دست خودمانی از گوش و کنارش ظاهر بود ایرانیها مردمان غیور و متعصبی هستند و این مرتبه اول نیست که خواب غفلت آنها را گرفته است تاریخ مکرر نشان داده و بیان نموده است که بیداریشان لزج‌چین خواب بچسان و چه قسم بوده است و اگر مالینک بخواهیم دستی باین هیکل مقدس بزیم جای هیچ شبک و شبکه نیست که از همان ابتداء افلأ پانصد هزار نفر از هر طبقه و طایفه حتی مأمورین سالیخورده نیز خود را باشوق و ذوق تمام قربانی استقلال سلطان و ولینعمت تاجدار و بقای مملکتشان خواهند نمود و ما از همان وجهه اول می‌باید از دوی جسد هزاران شهید وطن عبور کنیم چه برسد بمخاطر ایسکه در آنیه مصادف و دچار خواهیم شد بس چه بهتر که در بیداری و گرفتی همت و معاونت نمایم تا بعد از از تجاهش فایده کشیر برده ولز چشم داشت دیگران محفوظ بمانیم * .

آری روس و انگلیس اگر واقعاً بحال مناسب بودند اینطور بایستی عهد و بیان کنند نه ایسکه قید نمایند که ما حفظ اراضی آنرا ضمانت می‌کنیم تا در صلح و آرامش به قام آبادی آن برآیند و آنوقت هم آندو بزرگوارین خود با صلح و آرامش در این قرارداد تقسیم سیاسی ایران را بنمایند واقعاً لفظ « پاسیفیکمان » را نمیدانند در این موقع بچه ترجمه نماید اما هفهوم فرانسویش آن است که اگر مثلاً خدای نخواسته چهاره فرشروطه خواه باده نفر مستبد در تبریز بمقام مجادله خانگی برآیند فوراً افسون روس بمحض عهدنامه ایکه صلح و آرامش مقرده بهم خورده است آنجارا بدون اهمنان

رفع غایله و پس از آن به پیغ قطع تصرف خواهند کرد یا آنکه اگر فلان تاجر بوشهری برای حفظ حقوق امتیاز معدن نمک قشم چند نفری را تحریک پسندادو قال نمایند دفعته کشتهای جنگی انگلیس بست آوریز خواباندن آشوب سواحل خلیج را که اسمی بیش باقی ندارند بمقاطعه ابدی بچنگال گیرند و انگلیس از کجا معلوم که آنوقت خود این دو پهلوان محرك فتنه در نقطه که مد نظر دارند نشوند و اگر چنین نمیبود چگونه یک بسته ترکمان رعیت ایران جرأت داشتند استرایاد را شبانه چاپیده و قسمتی از اهالیش را مقتول سازند در صورتیکه جلوگیری از ترکمان و مقید داشتن آنها موافق اصول مقرر دنیا کاری است بسیار سهل و آسان با آنکه متأسفانه سالی نیست که دولت چند صد هزار تومان برای مخارج فرستادن قشون برای جلوگیری و مطیع ساختن همین یکمیشت ترکمان همه ساله صرف نفر مایند.

..... حضرت مشیرالدوله اگر بدانید از روزی که جناب اشرف آقای علاء السلطنه آنچنان تلکراف فرمودند پیغ اضطراب و آتش درونی گرفتار و قلیم تاچه اند ازه مشتعل و در سوز و گداز است یقین دارم تطویل کلام و تفصیل این توضیحات و اوضاع را که تصدیع افزایست عفو خواهید فرمود و قبل از ختم کلام لازم است که این عقیده بعضی از سیاسیون را نیز بعرض برسانم و آن این است که در این مورد و در انقاده همچو عهدنامه ای مقصود از دوشق خالی نیست یا دول روس و انگلیس در آتیه قصد و نیت باطنی دارند که بطور پلیتیک یا جبر انجام خواهند داد یا آنکه ندارند اگر فی الواقع خیالی دارند که دولت ایران ابدا مجبور بتصدیق شرعی آن نیست و باید از امضاء تکردن آن عهدنامه مفر و راه نجاتی از برای خود باقی بگذارند و اگر حقیقته قصد مخفی ندارند و طالب بقاء و استقلال این دولت هستند در آنصورت امضاء دولت علیه لازم و ضرور نیست هر چند که دول انگلیس و روس را دولت ایران نمیتواند از انقاد یک عهدنامه سری مانع شود اما خودش نیز نماید آنرا امضاء نماید والا عاقبتش بسیار وحیم و موجب پدیده گشت و مملکت خواهد بود.